



# انترناسیونال

## ۳۴۲

اساس سوسیالیسم  
انسان است.  
سوسیالیسم جنبش  
بازگرداندن  
اختیار به انسان است.



منصور حکمت

حزب کمونیست کارگری ایران

Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۱۳ فروردین ۱۳۸۹، ۲ آپریل ۲۰۱۰

www.m-hekmat.com

سردبیر: کاظم نیکخواه | Fax: 001-519 461 3416 | anternasional@yahoo.com | جمعه ها منتشر میشود



اسلامی حاکم است. این به این معناست که در ایران رژیم حاکم است که حقوق پایه ای زنان، کودکان و در واقع همه شهروندان جامعه را بشدت نقض میکند. در ایران دست و پا قطع میکنند و در حضور پزشک

صفحه ۶

### سخنان مینا احدی در کنفرانس سالانه حقوق بشر در بن

خیلی متشکرم و خوشحالم از اینکه امروز اینجا حضور دارم. من فکر میکنم ما امروز در مورد يك مشکل بسیار جدی و مهم صحبت میکنیم. در مورد کشوری با نقض گسترده حقوق انسانی، به نام ایران. ما امروز در مورد کشوری صحبت میکنیم که تناقضهای فراوانی در آن وجود دارد. ایران

به تشکل ها و رهبران کارگری همه کشورها:

### اول ماه مه روز جهانی کارگر در سال ۲۰۱۰ همبستگی جهانی با انقلاب مردم ایران

مطلق و همچنین در برقراری وسیع ترین آزادی ها در ایران ذینفع نیست. هیچ طبقه ای به اندازه طبقه کارگر در پایین کشیدن يك سیستم استثمار وحشیانه برای به زیر خط فقر کشاندن اکثریت عظیم و پرور کردن يك اقلیت مفتخور تحت لوای اسلام، ذینفع نیست. جمهوری اسلامی را

صفحه ۱۰

سیاسی و منبع مهم ارتجاع در جهان حاضر ذینفع نیست. هیچ طبقه ای به اندازه طبقه کارگر به انقلاب علیه رژیم آپارتاید جنسی که بی حقوقی بی سابقه زن را اساس حکومت خود قرار داده نیاز مبرم ندارد. هیچ طبقه ای به اندازه کارگران در سرنگون کردن بیرحم ترین حکومت زندان و شکنجه و اعدام و سانسور و بی حقوقی

و نابرابری تا همینجا موجی از امید و حمایت در جهان برانگیخته است. اول مه کارگران طبعا باید در صف مقدم این همبستگی کم نظیر جهانی قرار گیرند.

هیچ طبقه ای به اندازه کارگران در رهایی از سر جمهوری اسلامی، این سردمدار اسلام

انتظار می رود که در صدر دستور اجتماعات و تظاهرات روز کارگر ۲۰۱۰ در سراسر جهان، همبستگی با کارگران و مردم ایران باشد که قهرمانانه علیه جمهوری اسلامی پیاخته اند. انقلاب و مبارزه شورانگیز مردم ایران برای آزادی و علیه تبعیض

### گزارش مریم جبارزاده گزارشگر کانال جدید از کنفرانس حقوق بشر در آلمان

روز جمعه ۲۶ مارس ۲۰۱۰ در شهر بن آلمان و در چهارچوب سی و هشتمین اجلاس سراسری جامعه بین المللی حقوق بشر مجموعه برنامه هایی با موضوع "نقض حقوق بشر در ایران" برگزار شد. این اجلاس که در محل انستیتوی Gustav Stresemann و با حمایت و زیر نظر آقای پروفسور به ژه بوزک، رئیس پارلمان اروپا برگزار میشود، برنامه های مربوط به ایران را از

صفحه ۶



به استقبال اول ماه مه روز جهانی کارگر برویم

### "جراحی اقتصادی" طرحی از پیش شکست خورده کاظم نیکخواه

بخش دوم

سیاست حذف سوبسیدها یا یارانه ها تا آنجا که به جنبه اساسی آن مربوط میشود، طرحی مختص احمدی نژاد و دارو دسته اش نیست. اوایل روی کار آمدن دولت احمدی نژاد و جنجال بر سر "جراحی اقتصادی"، دوم خردادها ادعا میکردند که این طرح را آنها هم داشته اند اما با ممانعت جناح راست عملی نشده است. طرفداران رفسنجانی هم آنرا جزئی از سیاست "دوره سازندگی" قلمداد کردند. هرکدام هم به درجه ای حق داشتند. مساله اینست که همه جناحهای حکومت میدانستند که چنین طرح و سیاستی بدون سرکوب و ارباب بهیچ وجه عملی نیست و میدانستند که قدرت منکوب کردن جامعه را ندارند و امید داشتند که با پروژه هایی نظیر "اصلاحات" و "دیالوگ تمدنها" و "سازندگی" و امثال اینها که همگی پروژه هایی برای بیرون کشیدن حکومت از بحرانی لاعلاج بود، بتوانند مشکلی را که حکومتشان با آن روبروست حل کنند، سیاست خصوصی سازنها و حذف یارانه ها را تدریجی تر عملی کنند، بدون اینکه نیازی به جراحی و "تحول" و شوک داشته باشند. همه آن طرحها و پروژه ها علیرغم

صفحه ۲

### بازتاب هفته

تظاهرات حکومتی ها علیه "بدحجابی"! شهلا دانشفر  
زلزله ای" به اسم جمهوری اسلامی فریده آرمان  
آقای حقوق بشر در نیروی انتظامی سیامک بهاری  
چند سوال ساده از شاهزاده یاشار سهندی

صفحات ۵-۴

### در صفحات دیگر

در حاشیه حکم برائت محمود صالحی، شهلا دانشفر صفحه ۹  
مساله امنیتی در قم! مصطفی صابر، صفحه ۷  
۳۱ مارس ۲۰۱۰ روز اقدام جهانی علیه سیاستهای ضد پناهندگی دولت ژاپن فرهاد حسینی صفحات ۱۲-۱۱

# آزادی، برابری، حکومت کارگری!

## “جراحی اقتصادی” ...

از صفحه ۱



کازم نیکخواه

یکی از نهادهای جانبی حکومت در سال گذشته اعلام کرد که در مجموع کارخانجات در زیر ۳۰ درصد ظرفیت کار میکنند. بیکاری ابعادی چندین میلیونی و بنا به آمار چند ده میلیونی دارد. نرخ بیکاری در بعضی مناطق رسماً نزدیک ۴۰ درصد است. در کل بنا به آمار بیش از ۳۰ درصد نیروی کار ایران بیکار است. ارتشا و رشوه و رانت خواری و دلالتی و بساز و بفروشی و کلاشی عملکرد روتین و غالب سرمایه داری در این کشور است. همه سرمایه داران بدنبال پولهای باد آورده اند. بدنبال دزدیهایی کلانند. بدنبال ثروت اندوزی با تقلب و دوز و کلک اند. صادرات اساساً به نفت خلاصه میشود که اساساً در دست دولت است و سرمایه داران اصلی که بخش اصلی آنها همان “آقازاده ها” هستند یا به آنها مستقیماً مربوطند، تمام تلاششان اینست که از خوان نفت سهم بیشتری نصیبشان شود. خود وجود این قشر واقعاً انگل و مفت خور و چپاولگر سرمایه داران دولت را به یک ارگان و نهاد بسیار پرهزینه تبدیل کرده است. اما دولت اسلامی بطور ویژه هزینه های سنگین تری نیز دارد. هزینه نهادهای متعددی که با سیاستهای این حکومت تنیده شده اند. نظیر سازمانهای تروریست بین المللی که باید از نظر مالی و نظامی تغذیه شوند، “حوزه های علمیه” و مساجد و تکایا و صدها نهاد مذهبی و حکومتی دیگر که جزئی لاینفک از نحوه کارکرد حکومت اسلامی هستند، و همچنین سپاه و بسیج و نهادهای غیر رسمی مسلح و غیر مسلح برای جاسوسی و کنترل و تفتیش و تحمیق و امثال اینها. هزینه های سرسام آور همه اینها علاوه بر هزینه های روتین تری مثل هزینه نیروی انتظامی و ارتش و زندان و دستگاه ضد اطلاعاتی و غیره است که میشود گفت همه دولتهای سرمایه داری از آنها برخوردارند و از همین نهادها تشکیل میشوند.

اینجا جنبه هایی از بار سنگینی است که اقتصاد ایران کنونی اسیر آن

است. کم هزینه ترین بخش جامعه برای دولت مردمند و ظاهراً همه دولتها برای خدمت به آنها نیاز وجودی پیدا کرده اند و جمهوری اسلامی بیش از همه ادعای مردم پناهی دارد. هیچگونه تامین و خدمات اجتماعی قابل توجهی وجود ندارد. علیرغم بیکاری بسیار عظیم و چندین میلیونی بیمه بیکاری قابل توجهی وجود ندارد، بیمه درمانی وجود ندارد. آموزش و پرورش اساساً با پرداخت پول تامین میشود. خدمات اجتماعی مختلف در حد صفر است. در این رابطه اساسی ترین هزینه ای که بخشاً صرف زندگی مردم میشود و بازمانده از دوره های قبل از انقلاب و دوره درست پس از انقلاب است، سوسپید کالاها ای اساسی است که بنا به آمار دولتی چیزی بالغ بر صد هزار میلیارد تومان در سال است. و جالب اینست که دولت برای نجات اقتصاد بحران زده اش تنها منبعی که برای تامین کمبود سرمایه و ذخیره هایش پیدا کرده همین سوسپیدهاست. قرار است با زدن این سوسپیدها یا یارانه ها این صد هزار میلیارد تومان به جیب دولت سرازیر شود. و حکومت اسلامی خود را از تعهدش در این زمینه خلاص کند. این از نظر حکومت گامی است برای سبک تر کردن بار دولت و در عین حال گامی است در جهت سیاستهایی که بانک جهانی و صندوق بین المللی پول به کشورهای مختلف دیکته میکنند. همانگونه که اشاره شد سوسپیدها در واقع بخش کوچکی از هزینه های دولت را تشکیل میدهد. حکومت نمیخواهد و باید گفت به دلایل قابل فهمی حتی نمیتواند به بقیه هزینه ها که بخشاً اشاره شد دست بزند و در واقع دیواری کوتاه تر از دیوار مردم ندیده است.

### صورت و ظاهر مساله

پرداختن به آنچه دولت احمدی نژاد و دست اندرکارانش در مورد جزئیات طرح میگویند چندان ارزش ندارد چون هرروز مقامات حکومتی حرفهایی میزنند که تاکیدات و طرحهای قبلی شان را نقض میکنند. اساس طرح همان زدن سوسپیدهاست و توضیحات و توجیحات آنها برای مخفی کردن این واقعیت است. اما بهر حال بد نیست خیلی خلاصه به توضیحات و توجیحات در مورد این طرح بپردازیم. خود دولت از زدن

سوسپیدها سخن نمیگوید. بلکه آنرا تحت عنوان “هدفمند کردن یارانه ها” مطرح کرده است. گویا قرار است یارانه ها کلاً نقدی شود. و به کسانی پرداخت شود که استطاعتش را دارند و از کسانی که درآمدهای بالایی دارند گرفته شود. برای این منظور طرحهایی هم روی کاغذ مطرح شده. (در ادامه به سرنوشت این “قرار است” ها اشاره خواهیم کرد) از جمله اینکه مردم را بر اساس درآمدها به ده دهک و سه خوشه تقسیم کرده اند. و یارانه های نقدی به خوشه اول و دوم پرداخت میشود. خوشه اول که در آمد خانوادگی کمتر از ۴۷۳ هزار تومان است، بنا به آمار دولتی ۳۰ میلیون نفر را شامل میشود، و خوشه دوم که درآمدی کمتر از ۷۸۸ هزار تومان در ماه است ۱۷ میلیون را در بر میگیرد. خوشه سوم هم درآمدهای بالای ۷۸۸ هزار تومان در ماه است و ۱۴ میلیون نفر را در بر میگیرد. یعنی بنا به طرح اولیه دولت، قرار است به ۴۷ میلیون نفر یارانه نقدی پرداخت شود. و میزان آن بسته به اینکه در چه خوشه ای باشد متفاوت است. اعلام کردند که به هر نفر بین ۱۶ هزار تا ۲۰ هزار تومان پرداخت میشود. اگر همه اینها که گفته بودند مویمو عملی شود از صد هزار میلیارد پولی که از یارانه ها بیرون کشیده شده چیزی کمتر از یک هزار میلیارد تومانانش به مردم برگردانده خواهد شد و ۹۹ هزار میلیارد به جیب دولت میروند. اما بلافاصله قیمتتها به دلیل قطع یارانه ها و پرداخت های نقدی حدود ۶۸ تا ۷۰ درصد بالا خواهد رفت. این آنچه چیزی است که در مجلس از جانب نمایندگان مخالف دولت و با استناد به آمار بانک مرکزی طرح شد. عبارت دیگر اگر یک خانواده اکنون برای هزینه هایش ماهانه ۵۰۰ هزار تومان پول میپردازد، بعد از اجرای طرح باید ماهانه ۳۵۰ هزار تومان اضافه بر این بپردازد تا همین مقدار را خرید کند. یعنی در بهترین حالت یک خانواده پنج نفری ۱۰۰ هزار تومان یارانه نقدی دریافت میکنند (در تغییرات بعدی این رقم به ۳۰ تا ۴۰ هزار تومان کاهش یافت) و بجایش ۳۵۰ هزار تومان به صورت مابه التفاوت قیمتتها پس میدهد. این ما به التفاوت هم به جیب دولت و کسبه و بخشهای مختلف سرمایه داران که فروشندگان کالاها هستند سرازیر میشود. با همین حساب سر

انگشتی میتوان فهمید که وقتی دولت احمدی نژاد از شوک مصرفی سخن میگوید مقدر واقعی است. این تنها حقیقتی است که در مورد این طرح از زبان طراحانش مطرح شده.

### دم خروسی که بارها بیرون زد

وقتی مخالفین طرح (که آنها هم مشغله و داستان خود را دارند) همین بحثها را مقابل دولت گذاشتند، و از شوک مصرفی و اعتراضات مردم و جهش قیمتتها حرف زدند، پاسخهایی که داده شد جالب بود. در مقابل افزایش ناگهانی قیمت به دلیل پمپاژ یارانه نقدی، معاون اقتصادی احمدی نژاد شخصی بنام میر تاج الدینی رسماً اعلام کرد “برخلاف تصور برخی، دولت در هدفمند کردن یارانه ها با توزیع پول در بین مردم مخالف است” یعنی پولی به کسی داده نخواهد شد. سخنگوی “طرح تحول اقتصادی” وابسته به دولت در همین رابطه میگوید “بعضی می گویند توزیع این مبلغ در جامعه موجب افزایش حجم نقدی نگي و در نتیجه افزایش تورم خواهد بود. در پاسخ باید گفت اولاً در این مسئله پولی خارج از چرخه نقدی نگي به جامعه منتقل نمی شود بلکه از درآمدهای حاصل از اصلاح قیمتتها با توزیع در جامعه صورت می گیرد این در واقع گردش ثروت و پول در درون جامعه است” حرف او کمی با حرف معاون احمدی نژاد متفاوت است. منظور او اینست که پولهایی را از جامعه جمع میکنیم و همانها را به جای دیگری در همان جامعه سرازیر میکنیم. بعداً گفتند ما بجای پول “یارانه نقدی” میپردازیم. که توضیحشان در مورد نقدی بودن و پول نبودن بعداً این شد که “پول یارانه ها به حسابهای بانکی افراد اریز میشود و برای آنها که حساب بانکی ندارند نیز حساب بانکی باز خواهد شد” گویا این توضیح مساله “پولی پرداخت نخواهد شد” را جواب داده است! یک جنبه دیگر که در میان دعواها اصلاح شد این بود که بجای اینکه به دو خوشه یارانه نقدی پرداخت شود به همه مردم پرداخت خواهد شد. یک اصلاح کوچک دیگر این بود که ابتدا با جنجال اعلام کرده بودند که بهر نفر بین ۱۶ هزار تا ۲۰ هزار تومان در ماه یارانه نقدی میپردازند. در

## "جراحی اقتصادی" ...

بحثهای مجلس، دولتی ها اعلام کردند که این مبلغ ۶ تا ۸ هزار تومان برای هر نفر در ماه است. یعنی دو و نیم برابر کمتر. اصلاحات و تغییرات بسیار دیگری هم مطرح شد که اگر همه آنها را کنار هم بگذاریم چیزی که باقی میماند اینست که دولت میخواهد فقط یک کار بکند: سوسیدها را بزند. فقط همین. از پولی که از این منبع نصیب حکومت میشود حدود پنجاه در صد راهی "بخشهای حامل انرژی" میشود که شامل کارخانه ها و مجتمع های تولید و توزیع گاز و برق و مواد سوختی است. و همه این بخش در دست همان دولت و یا آقازاده ها و کار بدستان دولتی و نهادهایی شبیه سپاه پاسداران و بنیاد مستضعفان و نهادهای مرتبط به سران حکومت است. یعنی در واقع سوسیدها از مردم گرفته میشود و به جیب دولت و یا سرمایه داران و دلانان وابسته دولت یا نزدیک به دولت سرازیر میشود.

پرداختن به اختلافاتی که بر سر این طرح به جریان افتاده نیز جای بحث خود را دارد که اینجا به دلیل طولانی شدن بحث ناچارم از آن صرف نظر کنم. مهمترین مشغله مخالفین طرح اینست که در فضای ملت‌هتب اجتماعی، این طرح به موضوعی برای دامن زدن بیشتر به اعتراضات تبدیل میشود. لاریجانی رئیس مجلس شورای اسلامی در این رابطه میگوید: "... نظر دیگر این بود که دولت سال اول ۴۰ هزار میلیارد تومان اختصاص دهد که معنی اش این بود جهش‌های زیادی در قیمت بنزین، گازوئیل و ارزاق داشته باشیم. منطق مهمش این بود که جهش قیمت باعث می‌شود نوع رفتار کاملاً تکان بخورد، البته این منطق را نمی‌شود منع کرد چرا که وجه منفی آن جهش، افزایش زیاد قیمت بود که امکان دارد قابل تحمل نباشد." یعنی مردم آنرا تحمل نمیکنند. یک جنبه دیگر اینست که مخالفین نیز تلاش میکنند درآمدهای حاصله از این طرح را به بخشهایی سرازیر کنند که خود در آن سهم بیشتری دارند.

از صفحه ۲

## طرحی از پیش شکست خورده

همانگونه که اشاره شد توضیح دولت و موافقین طرح اینست که باید "الگوی مصرف" را در جامعه تغییر داد. و برای این منظور به یک شوک مصرفی نیاز است. خامنه ای گفته است تا ده سال دیگر باید جنبش تغییر الگوی مصرف را دنبال کنیم. اما مساله اساسی این است که جامعه ای که فی الحال به پایین ترین حد ممکن از نظر سطح معیشت و زندگی رسیده است، دیگر اصلاً توان تحمل فشار اقتصادی و مصرفی را ندارد و در فضایی که اعتراض سراسر جامعه را فرا گرفته نه فقط "ممکن است قابل تحمل نباشد" بلکه غیر ممکن است که تحمل کند. دولت احمدی نژاد با تصویب طرح در مجلس اسلامی اما با زدن میزان ۲۰ هزار میلیارد تومان در سال به جای ۴۰ هزار میلیارد، در تلاش است که دوباره متممی را به مجلس ارائه دهد و به کمک ولی فقیه آنرا به تصویب برساند. زیرا معتقد است که با کمتر از این شوک مصرفی وارد نخواهد شد. خود موافقین طرح نیز میدانند که جامعه تحمل نمیکند. برای مقابله هنوز هم روی قدرت سرکوب خود حساب میکنند اما بارها از پس گرفتن طرح سخن گفته اند. پس گرفتن طرح یعنی رها کردن حکومت در بحران لاعلاج اقتصادی و سیاسی. در واقع حکومت بر سر این دوراهی قرار گرفته است که یا به این تلاش دست بزند و امیدوار باشد که این طرح معجزه کند، یا فاتحه خویش را بخواند. این را همه میدانند و احمدی نژاد از همین بعنوان اهرم فشاری بر سران حکومت و مخالفین استفاده میکند. اما به چند دلیل این طرح از هم اکنون شکست خورده است. بطور خلاصه یکی اینکه لازمه شوک اقتصادی و مصرفی بر جامعه، وجود قدرت منسجم سرکوب حکومت علیه مردم است که قبلاً شکست خورده است. بعلاوه جامعه ای که در آن ۱۵ تا ۲۰ میلیون نفر زیر خط فقر زندگی میکنند، دیگر جایی برای شوک وارد کردن و گرانی بیشتر و بیکاری گسترده تر را ندارد.

## جشن اول ماه مه در تورنتو - کانادا

اول ماه مه روز همبستگی جهانی طبقه کارگر و روز جوش و خروش کارگران در سراسر جهان برای رهایی از مشقات نظام سرمایه داری و بیان خواسته هایشان جهت برپایی دنیایی عاری از ستم و استثمار است. امسال در شرایطی اول ماه مه را برگزار میکنیم که رژیم اسلامی سرمایه در گرداب یک بحران عظیم سیاسی فرو رفته است و در حال دست و پا زدن برای نجات خویش در آن به سر میرسد.

اول ماه مه امسال همزمان است با پیشروی جنبش اعتراضی مردم برای بزیر کشیدن رژیم ضد انسانی جمهوری اسلامی. اول ماه مه مصادف با شروع بیدار آمدن طبقه کارگر برای برچیدن بساط چپاول و استثمار و توحش افسار گسیخته حکومت اسلامی سرمایه است. اول ماه همزمان با دوره ایست که حرکت میلیونین مردم ایران از یکسو توجه و حمایت بشریت آزادیخواه جهان را

شوک مصرفی به میلیونها کارگر و معلم و پرستار و حقوق بگیرانی که دستمزدشان یک سوم خط فقر است و یک سال و سه سال پرداخت نمیشود، دیگر معنایی ندارد. این جامعه سی سال است در حالت شوک اقتصادی است. از این نظر در شرایط کنونی حکومت در بدترین شرایط حیات خویش بسر میرسد و در ماههای اخیر با جنبش عظیم سرنوینی و انقلابی مواجه شده که قدرت سرکوب آنرا نداشته است. ثانیاً حتی بفرص محال انجام تمام و کمال این طرح، تکان چندانی در اقتصاد بیمار و زمین گیر شده ایران ایجاد نخواهد شد. اقتصاد ایران از هم پاشیده تر از آنست که با این طرحها بشود تکانی در آن ایجاد کرد. نه سرمایه گذاری ای افزایش خواهد یافت. نه تولید تکانی خواهد خورد و نه اشتغال و قدرت خرید و گردش سرمایه افزایش خواهد یافت. بلکه روند عکس آن طی میشود. ثالثاً پیاده کردن این طرح به یک بوروکراسی سراسری بسیار پیچیده و کنترل شده نیاز دارد که حکومت در هم ریخته تر از آنست که بتواند آنرا به اجرا بگذارد. آنچه میماند اینست که بفرص موفق شدن در حذف بارانه ها، جنگ و جدال و کشاکشی میان جناحهای حکومت و بخشهای مختلف سرمایه داران بر سر میزان سهم خویش از این میلیاردها بالا خواهد گرفت و به جنگ و نزاعهای دیگر اضافه خواهد شد. بعلاوه میلیونها نفر از مردم گرسنه و به زیر خط فقر رانده شده، مدام خود را مواجه با دولت می بینند و جنبشهای اعتراض و مطالباتی فوراً جنبه سیاسی و ضد دولتی بخود خواهد گرفت. یعنی حکومت با طرح پرداخت بارانه ها و وعده هایی که داده است، و با توجه به گرانی بیشتر و بیکاری گسترده تر و ناتوانی در اجرای تعهداتش کل مردم را هر روز مقابل خویش قرار میدهد. همه اینها تازه در صورتی است که موفق شوند چنین طرحی را پیاده کنند. اما مشکل اصلی اینست که جمهوری اسلامی حتی تا رسیدن به این مرحله فاصله زیادی دارد که با توجه به همه عواملی که بر شمرديم بهیچ وجه قادر به پیمودن آن نیست.\*



بخود جلب کرده و از آن سو بورژوازی جهانی را در وحشت فرو برده است. باید بگوئیم اول ماه مه، روز اتحاد بین المللی طبقه کارگر امسال به روز همبستگی پرشور و گسترده جهانی در حمایت از مبارزات طبقه کارگر و مردم آزادیخواه ایران بدل شود و صف آزادیخواهی و برابری طلبی برای پیروزی سوسیالیسم در ایران را تقویت کند. به جشن اول ماه مه امید

زمان: شنبه اول ماه مه، مکان برنامه به زودی اعلام میشود  
تلفن های تماس:  
0016474494120  
0014168586974  
0014164717138

حزب کمونیست ایران - تشکیلات کانادا، حزب کمونیست کارگری چپ عراق - واحد کانادا، حزب کمونیست کارگری ایران - واحد شرق کانادا

## حکم اخراج ۳۰۰ نفر از کارگران لوله سازی اهواز

تجمعی اعتراضی برپا کردند. که به حمله نیروهای انتظامی رژیم به فرماندهی سرهنگ خلفی روبرو شدند و مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. این یکسازانها بخشی از کارگران با سابقه را نیز دربرمیگیرد و کارگران را بشدت در مضیقه مالی گذاشته است. بعد از ظهر ۱۱ فروردین کارگران این کارخانه در مسجد کارخانه تجمع اعتراضی برپا کردند و اعلام داشتند که اعتراض خود را ادامه خواهند داد.

بنا به گزارشهای منتشر شده روز ۱۰ فروردین هنگامیکه کارگران لوله سازی اهواز با پایان تعطیلات نوروزی خود به کارخانه بازگشتند، متوجه شدند که نه تنها عیدی و پاداشی به آنها تعلق نگرفته است، بلکه حدود ۳۰۰ نفر از کارگران قراردادی از کار اخراج شده اند. این درحالیست که کارگران این کارخانه حدود ۱۴ ماه است که دستمزد نگرفته اند و در رابطه با همین موضوع یک هفته قبل از ۲۲ بهمن در مقابل منزل امام جمعه اهواز

**کتاب سرمایه (کا پیتال) مارکس**

ترجمه جمشید هادیان

برای تهیه کتاب با این تلفن ها یا ایمیل ها تماس بگیرید

در آمریکا و کانادا یا  
بانک بزوی (کانادا-آمریکا) : تلفن : ۰۱-۴۱۶ ۷۸۳۳۶۶  
۰۱-۴۱۶ ۷۷۱ ۷۱۸۸  
ایمیل : babakyazdi@yahoo.com

زری اصلی (فوب کانادا - ونکوور) تلفن : ۰۱-۶۰۴ ۲۷۷ ۸۸۶  
ایمیل : zariasli@yahoo.ca

در اروپا یا  
انتشارات نیپم : تلفن : ۰۳۷۲۳۹۳۹۱۷۰  
ایمیل : nasim\_info@yahoo.se

جلیل جلیلی (انگلستان) تلفن : ۰۴۴-۰۷۹۵۰۹۲۴۴۴  
ایمیل : jaliluk@yahoo.com

مهن کوشا (آلمان) تلفن : ۰۴۹-۰۱۷۳۲۵۰۵۴۹  
ایمیل : mahinkusha@t-online.de

**کارل مارکس**

سرمایه

(کا پیتال)

مجله نقد  
ترجمه جمشید هادیان

**زنده باد سوسیالیسم!**

## بازتاب هفته

### تظاهرات حکومتی ها علیه "بدحجابی"!



شهلا دانشفر

يك خبر جالب این هفته راهپیمایی نماز گزاران جمعه گذشته در قم علیه بدحجابی بود. نفس خبر توجه برانگیز است. موضوع از این نظر برای من جالب بود که اینها همانهایی هستند که در خیابانها به روی زنان "بدحجاب" اسید می پاشیدند. اینها همانها هستند که با شعار یا روسری یا توسی به جان زنان و کل جامعه می افتادند تا پایه های این حکومت آپارتاید جنسی را بر جامعه محکم کنند. اینها همانها هستند که وحشیانه روسری زنان را با پونس به سرشان میکوبیدند. اینها همان لشکر سردار رادان و احمدی مقدم ها هستند که "طرحهای امنیت اجتماعی" و مبارزه با "بدحجابی" را یکی بعد از دیگری به اجرا گذاشتند و هر بار ناگزیر در مقابل خیرگزاری های در رسانه هایشان آمدند و به شکستشان اعتراف کردند. بله اینها لشکر اوباش حزب الله هستند که گروههای امر به معروف و نهی از منکر را به راه انداختند و در خیابانها زنان را مورد تعرض قرار داده و دستگیر و سرکوب میکردند و امروز در اوج استیصال در مقابل انقلاب و در مقابل جنبش قدرتمند علیه تبعیض و آپارتاید جنسی، دارند علیه حجاب آن هم در مرکز سنتی اقتدارشان یعنی شهر قم راهپیمایی میکنند. در واقع این جمهوری اسلامی است که بعنوان اپوزیسیون مردم دارد تظاهرات سازمان میدهد. و تظاهراتکنندگان هم همان خواهر زینب ها و برادران بسیجی و ارادل و اوباش اجبر شده هستند. خودشان هم میدانند که زورشان نمیرسد حرکت مردم را با زور عقب برانند. يك جنبش قدرتمند علیه تبعیض و برای آزادی و برابری براه افتاده است که دیر نیست کل بساطشان را جمع کند. اینها

امروز با این کار خود دارند شکستشان را به جامعه و به جهان اعلام میکنند. چرا که حجاب این شیشه عمر این رژیم دارد به زمین زده میشود. چرا که در هشت مارس و در چهارشنبه سوری دیدیم که چگونه حجاب سوزاندند و دختر و پسر در وسط خیابان رفصیدند و شادی کردند و با سوزاندن عکس خامنه ای و احمدی نژاد، مرگ بر دیکتاتور سر دادند. روزهایی که با چشم خود دیدیم که چگونه این حکومت زیر دست و پای جوانان لگد مال شد. مدتی است که ما شاهد بلند شدن صدای وحشت و هراس سران مرتجع و جنایتکار این رژیم از اینکه از "حجاب و عفت" زنان و از اسلام و نظامشان چیزی به جا نمانده است، هستیم. پیش از این احمد خانی خطیب نماز جمعه تهران بود که نگران از حجاب برگیران در روز جهانی زن بعنوان توطئه دشمنان اسلام سخن گفت و در سخنانی دیگر در قم با اظهار نگرانی از اینکه چگونه حجاب این سمبل حاکمیت اسلامی دارد به کنار میرود، کنه نگرانی اش را برملا کرده و گفته بود: "بی حجابی و بدحجابی مصداق اعراض از دین است و ما از تهدیدات اسرائیل و آمریکا و سایر کشورها نگرانی نداریم ولی در عرصه حجاب باید بیشتر به فکر باشیم." یعنی نگران و وحشت زده باشیم. نمازگزاران قم و احمد خانی و همه سران این حکومت حق دارند. همانطور که شعار مرگ بر دیکتاتور به شعار هر روزه اعتراض مردم در مناسبتهای مختلف تبدیل شده است، حجاب برگیران نیز يك عرصه مهم تعرض مردم بر این حکومت آپارتاید جنسی و ضد زن تبدیل شده است. این واقعیت انقلابی است که علیه این جانوران مرتجع اسلامی دارد به جلو میرود، و جنبش علیه آپارتاید جنسی و برداشتن حجاب ها يك سمبل آشکار آنست. قرن بیست و یکم، قرن مذهب و حجاب اجباری و احکام پوسیده شرع نیست. قرن علم است. قرن پیشرفت است. و قرن آزادی بشریت است. این جانوران فسیل شده باید و ناچارند گورشان را هرچه زودتر گم کنند.\*

### زلزله ای "به اسم جمهوری اسلامی"

۳۰۰۰ نفر افغانی در زندانهای ایران محکوم به اعدام هستند.



فریده آرمان

گاهی می شنویم در شهری و یا منطقه ای از دنیا زلزله ای رخ می دهد و تعدادی جانسان را از دست می دهند. صد، دو صد و یا هزاران نفر کشته میشوند. اینگونه اخبار قلب مردم دنیا را به درد می آورد و همه بسیج می شوند تا به آسیب دیدگان یاری برسانند. مردم پول و لباس و دارو و نیروی کمکی و امداد به منطقه می فرستند. زمانی که حتی يك نفر را نیروی امداد از زیر آوار نجات می دهد میلیونها نفر از مردم جهان در قلب خود احساس شادی می کنند. وقتی فاجعه ای طبیعی رخ می دهد مردم به یاری هم می شتابند، همه دوست دارند که سهمی در کمک کردن داشته باشند و این بسیار زیبا و تحسین آمیز است. ولی گاهی اتفاقاتی می افتد که علیرغم فاجعه انگیز بودن و تکان دهنده بودن خبر و واقعه، واکنش بسیار کمی در مردم ایجاد می کند. از آن جمله اخبار اعدام کودکان و سنگسار زنان، و یا خبر محکومیت ۳۰۰۰ نفر به اعدام در کشوری مثل ایران است. روز ۱۳ مارس در مجلس افغانستان از سوی نمایندگانی که از ایران بازدید کرده بودند مطرح شد: "که بیش از ۵۰۰۰ نفر از شهروندان افغانی که برای کار و به دنبال يك زندگی راحت تر به ایران مهاجرت کرده اند اکنون در زندان بسر میبرند و بیش از ۳۰۰۰ نفر از آنها بنا به ادعای مقامات جمهوری اسلامی به اعدام محکوم شده و منتظر اجرای حکم هستند." ۳۰۰۰ نفر قرار است توسط رژیم جمهوری اسلامی و در زندانهایشان جانشان گرفته شود! ۳۰۰۰ نفر دیگر قرار است اعدام شوند. درجه این زمین لرزه به نظر شما چقدر است؟ از نظر من ۱۰۰ درجه ریشتر. ۱۰۰ مرتبه قوی تر از هر

زلزله ای که تا بحال اتفاق افتاده است. همیشه تحمل از دست دادن جان يك انسان در يك سانحه طبیعی آسانتر است تا وقتی می بینی که تعدادی به خود حق می دهد خود را نماینده مردم تلقی کنند و با ضوابطی که خود وضع کرده اند در روز روشن و با سرافرازی اعدام کنند و اعلام کنند که جان انسانها را به هر دلیل میگیرند. اعدام قتل عمد است. قتلی که از پیش برنامه ریزی می شود و توسط نهادهای دولتی به اجرا در می آید. در مورد جمهوری اسلامی این فقط گوشه کوچکی از جنایاتش است. صدها نفر در خیابانهای تهران و شهرستانها در چند ماهه گذشته و در تظاهرات به گلوله بسته شدند که ندا چهره فراموش نشدنی و جهانی این قربانیان شد. حدود ۵۰۰۰ نفر از زندانیان سیاسی و از عزیزترین انسانها در تابستان ۱۹۸۸ در زندانهای ایران به جوخه های مرگ سپرده شدند. در سالهای ۱۹۸۱ تا ۱۹۸۳ حدود ۲۲ هزار نفر از زندانیان سیاسی و غیر سیاسی و معترضین شورشیهای شهری اعدام شدند. جمهوری اسلامی فقط ماشین کشتار انسانها نیست بلکه تهیدی برای امنیت مردم دنیا نیز هست. آیا مردم دنیا میخواهند به "زلزله زدگان" ایران کمک کنند؟ جنبش انقلابی مردم برای خلاصی از شر قاتلین حکومتی ایران احتیاج به بیشترین حمایت ها و کمک های شما مردم آزادیخواه دارد.

### آقای حقوق بشر در نیروی انتظامی!



سیامک بهاری

به گزارش پایگاه اطلاع رسانی پلیس ایران روز دوشنبه ۹ فروردین (۲۹ مارس) سردار سرتیپ اسماعیل احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی از تشکیل کمیسیون رعایت حقوق شهروندی در نیروی انتظامی خبر داد. وی خاطر نشان کرد که در کمیسیون

رعایت حقوق شهروندی به همه ابعاد حقوق شهروندی در نیروی انتظامی از جمله بازداشتگاه ها توجه ویژه خواهیم داشت. وی با تأکید بر اینکه حرمت مردم باید با همه ابعادش حفظ شود، تصریح کرد: "در نیروی انتظامی معتقدیم رعایت قانون باید فصل الخطاب رفتار با شهروندان باشد و تأکید کرد که موضوع حقوق شهروندی از اولویتهای برنامه های پلیس در سال جاری بشمار میرود."

این افاضات مضحک است اما از زاویه ای قابل توجه است. از این زاویه که آشکارا فشار انقلاب مردم و افشای کهریزک از جانب نیروهای مختلف سیاسی و رسوایی جهانی جمهوری اسلامی بر سر آن، اینها را به این مضحکه ها انداخته است. در گزارش "کمیته ویژه مجلس اسلامی در مورد کهریزک" که آنهم زیر همین فشارها تشکیل شد، حمیدرضا کاتوزیان، نماینده تهران و عضو کمیته حقیقت یاب در مرداد ماه امسال شخص اسماعیل احمدی مقدم، فرمانده نیروی انتظامی را مسئول قتلهای صورت گرفته در بازداشتگاه کهریزک معرفی کرده است. حال تصور کنید که یکی از مسئولین و سرکردگان قتلهای سریالی سازمان یافته دولتی که مسئول قتلهای صورت گرفته در کهریزک است می خواهد "حقوق شهروندی" را آنهم در زندانها و بازداشتگاهها جاری کند. فقط بعنوان دست گرمی قبل از تظاهرات ۶ دی (عاشورا) آقای حقوق شهروندی اعلام کرد: "ایمیل ها و اس ام اس ها کنترل می شود و با افرادی که از طریق اس ام اس و ایمیل افراد را تشویق به حضور در تجمعات می کنند، برخورد می شود. ایمیل ها و اس ام اس ها از جایی فرستاده می شود که کاملا در کنترل ما قرار دارد و تصور نکنند که آنتی پروکسی جلوی ما را می گیرد و این تصور اشتباه را نداشته باشند که کنترل نمی شوند." ملاحظه فرمودید؟ این يك چشمه کوچک از رعایت حقوق شهروندی قبل از بازداشت شهروندان عزیز است. اگر چند چشمه "کوچک" دیگر، از سوابق مشعشع این سردار احمدی مقدم فرمانده نیروی انتظامی مشهور خودش را کنار رعایت حقوق شهروندی ادعایش بگذارید، صحنه واقعی تقریبا قابل رویت میشود. از

سرنگون باد جمهوری اسلامی! زنده باد جمهوری سوسیالیستی!

## بازتاب هفته

### چند سوال ساده از

### شاهزاده

یاشار سهندی

"اگر می‌پرسید درسی که من از گذشته آموخته‌ام چیست، این است که من مشکل می‌بینم و برای همین می‌گویم که افراد و آحاد جامعه و شهروندان، فراتر از ساختارهای حکومتی و فراتر از اتکا به نهادهای حکومتی و دولتی، برای حفظ دموکراسی، نهادهای دموکراتیک و توسعه و پرورش این نهادها، باید مسئولیتی در خودشان ببینند. هرگاه آگاهی نباشد و اهرم‌هایی وجود نداشته باشند که به نسل‌های بعدی یک فرهنگ سیاسی و شیوهی برخورد را در جهت جلوگیری از تبعیض و تفکر منفی در جامعه دائم آموزش ندهد، اصولاً ما مسأله دموکراسی و حقوق بشر را همیشه تق و لوق خواهیم دید." هفته گذشته کنفرانس مطبوعاتی اجلاس سالانه جامعه حقوق بشر در شهر بن آلمان برگزار شد. یکی از سخنرانان رضا پهلوی بود. ایشان در حاشیه کنفرانس مصاحبه ای با دکتر جمشید فاروقی، رئیس رادیو آنالین بخش فارسی دوپچه وله دارد (توجه دارید فلان کارمند دون پایه مصاحبه کننده نیست بلکه ایشان با "دکتر" رویرو است. بازی بزرگان اینچنین است!) سخنان بالا گزینه ای از گفته های ایشان است. این "گذشته" که "شاهزاده" اشاره به آن دارند، حکومت پدرشان است که در انقلاب ۵۷ سرنگون گردید و ایشان سعی فراوان میکنند که "شاه قفید" را از زیر ضرب بیرون کشد. ایشان مدام تکرار میکنند که تنها پدر ایشان مقصر نبود بلکه دیگران هم بودند، دیگرانی که اذعان میکنند که پیشرفت‌ها را دیدند "اما در نبود فضای باز سیاسی، خود را جدا از حکومت میدیدند و اجباراً در مخالفت با آن قرار میگرفتند." اما ایشان تأکید دارند که نباید مسائل امروز را با مسائل سی و چهل سال پیش جواب داد. چون به گفته ایشان "نسل جوان آنرا تجربه نکرده است و لزومی هم ندارد آنرا بداند." اما چرا ایشان اینقدر اصرار دارند که مسائل سی و چهل سال پیش در بسته بماند؟ چون در همان گفتگو به راحتی آب خوردن همه تاریخ حکومت پدرشان را تحریف میکنند ایشان ابراز میدارند: "مسأله عمده در آن زمان،

ناهماهنگی پیشرفت اقتصادی با لیبرالیزه شدن جامعه، یعنی آزادی‌های بیشتر سیاسی بود." اولاً کدام پیشرفت اقتصادی و برای کی پیشرفت محسوب میشود؟ بله پیشرفت اقتصادی بود. جامعه ایران با اصلاحات ارضی تمام و کمال به یک جامعه سرمایه داری تبدیل شد، پیشرفت اقتصادی بود اما برای جیب سرمایه داران که به قیمت فقر و فلاکت توده مردم تهیدست منجر شده بود. دوماً "آزادی بیشتر سیاسی" به چه معناست؟ آیا اصولاً در آن زمان هیچگونه آزادی سیاسی وجود داشت که بیشتر از آتش از مردم دریغ شده بود؟ یک خفقان مطلق سیاسی بود که با ساواک تضمین شده بود. این جواب شاهزاده در مقابل سوالی است که پرسیده شده بود با توجه به تجربه سی سال گذشته اگر شما آزمون حاکم بودید چه تصمیماتی میگرفتید. اول ایشان همه آن تاریخ را پشت و رو تحویل میدهد و در ادامه پارگراف اول که در ابتدای این نوشته آمده است را بیان میکند تا تمام "تقصیرات" را به گردن مردم بیندازد که آگاهی سیاسی نداشتند. این تجربه ایشان از این سی سال پس از حکومت پدرشان است. برآستی که درس خویش را خوب فرا گرفتند که مردم نگویند بختی که دستشان از زمین و آسمان کوتاه بود و بوسیله ساواک و ارتش شاهنشاهی در محاصره بودند مقصر قلمداد شوند که چرا نرفته اند از نظر سیاسی آگاه شوند! که سطح آگاهی شان پایین است که فرهنگ اینکه از آزادی استفاده کنند ندارند. این ادامه همان گفته مشهور است که میگویند مردم از روی شکم سیری انقلاب کردند. "دموکراسی" اگر تق و لوق مانده است نه تقصیر آگاهی مردم که نتیجه سرکوبگری ساواک و اوآک و حکومت شاه و شیخ بوده است که یک دم مردم را راحت نگذاشتند تا لااقل طعم زندگی را بچشند. ایشان دارند زمینه چینی میکنند که فردا روزی اگر دیکتاتوری دیگری از نوع دیگر برقرار شد نتیجه همان "بی مسئولیتی و عدم آگاهی که دموکراسی تق و لوق میشود" بدانیم! شاهزاده معتقد است که نسل امروز را نباید با مسائل پیش و پا افتاده نیم قرن پیش معطل نمود. باید پرسید چرا سرکوب مداوم این صد ساله گذشته و نه فقط نیم قرن گذشته، پیش و پا

افتاده قلمداد میشود اما صحبت از حقوق بشر که به میان می‌آید همه بزرگان یادشان می‌آید دو هزار پانصد سال پیش یک پادشاه مهربان داشتیم که حقوق بشر و جدیداً سکولاریسم را یکجا جواب داده است؟ شاهزاده میفرماید: "چون بهای سنگینی که مردم ایران در نتیجهی انقلاب ۵۷ پرداختند و عواقب آن تا امروز هم برای همگان مشهود است، این اجازه را به ما نمی‌دهد که بار دیگر بی حساب و بدون شناختن این که دقیقاً گزینشی مقابل این نظام چیست، حرکت کنیم. برای این که راه بازگشت به مسیری که مملکت ما باید داشته باشد هموار شود، این گزینه را باید کاملاً روشن بیان کرد." بله این گزینه باید کاملاً روشن شود. اما تا جایی که من خاطرهم هست هرگاه از ایشان پرسیده میشود حکومت مورد نظر شما در آینده چه شکلی دارد و چگونه است؟ ایشان با فروتنی میگویند: من میگزیرم بعد از رفتن این دولت مردم خودشان انتخاب کنند؟ شاهزاده نمی‌تواند و نمی‌خواهد گزینه مورد نظرشان را بشکافند تا مردم انتخاب کنند. چون نمی‌توانند این را به صراحت بیان کنند که ما (اگر فرصت حکومت کردن به دست آوریم) قرار است سود سرمایه را تضمین کنیم و این یعنی سرکوبگری توده مردم به خشن ترین روشها همانگونه که پدر مرحومشان اعمال کردند. ایشان مدعی است در سال ۵۷ "شش ماه قبل از خروج پدر و مادرشان از کشور" در امریکا بودند و فن خلبانی می‌آموختند و از چیزی خبر نداشتند. اما سی سال است که خبر دار شدند و نتیجه؟ اینکه همه مردم مقصرند که جمهوری اسلامی با همه جنایت کاری‌هایش حاکم شده است! تاریخی که ایشان ارائه میدهند روایتی است که "بزرگان" از مردم نقل میکنند و مردم در نزد بزرگان جز یک مشت "عوام" نیستند که باید کار کنند و حرف نزنند و اگر این مردم به خیابان آیند حق شان همان است که در سی سال گذشته کشیدند. شاهزاده در آخر مصاحبه فوق اشاره میکند: "به هر حال همگی ما باید از تجربیاتمان در جهت مثبت استفاده کنیم. این وظیفه‌ای است که امروز بر عهده‌ی چه نسل پیشین و چه نسل من، قرار دارد. آنان باید تجربیات خود را در اختیار نسل امروزی ایران بگذارند تا واقعا بتوانیم به خواسته‌ی دیرینه‌ای که از زمان انقلاب مشروطیت تا امروز داشته‌ایم، برسیم و بتوانیم کشورمان را

در مسیر ترقی، پیشرفت، مدرنیته و آنچه که تضمین‌کننده حقوق انسانی و سیاسی ما در آینده، آن هم در قالب یک نظام دموکراتیک عرفی باشد، قرار بدهیم." ما خیلی دوست داریم مثبت فکر کنیم برای همین یکی از ایشان پرسد: همه اینها که گفتید یعنی چه؟ کدام کار مشخص سیاسی را می‌خواهید انجام دهید؟ تضمین گفته شده چگونه اعمال میشود؟ آیا ایشان هم معتقد است "بهر حال هر کشوری نیروی امنیتی" لازم دارد؟ آیا این

نیروی مخفی تضمین کننده "حقوق انسانی و سیاسی ما" در آینده است؟ و نیز به سه سوال مشخص پاسخ دهند آیا شما حاضرید آزادی بی قید و شرط سیاسی را با همین عنوان تضمین کنید و چگونه؟ آیا شما مخالف حکم اعدام برای هر کس و هر جرمی هستید یا خیر؟ آیا در نظام "دموکراتیک عرفی" شما دست مذهب از همه شئون اجتماعی مردم کوتاه میشود یا خیر؟ فکر نمی‌کنم سوالات سختی باشد؟

### آقای حقوق بشر در نیروی انتظامی!

از صفحه ۴

بسیجی‌های چماقدار، گله حزب الله، قرارگاه‌های سپاه، و دهها مرکز نظامی و انتظامی و امنیتی و لشکر سایبری و دهها نهاد از نوع "وفا" به اضافه صدها مرکز کنترل و تعقیب و مراقبت و کل دستگاه سرکوب قضایی و جزایی و اجرایی جمهوری اسلامی، اجماعی از حرفه ای ترین اوباشان و قاتلین و سرکوب کنندگان مردم در تاریخ معاصر ایران، دارند جام زهر سر میکشند. تهدیدهای بیست و رهبری و اتم و اوتومها و میکشیم و میزیم و نسق میکشیم ها، و پشم پبله اش با تعطیل کردن شکنجه گاه کهریزک و قربانی کردن امثال سعید مرتضوی و پذیرفتن کشتار و تجاوز در زندانها ریخته است. جواب همه اینها را جوشش و غلیان مردم و اعتراضی که یک دم خاموش نمی شود دارد میدهد. همانگونه که اشاره شد این بازی مسخره "حقوق شهروندی" نیز از تاثیر انقلاب است که اینها را به مضحکه و سخره کشانده است. این رفتار حکومتی در سراسر سقوط است و باید مانند هر حکومت محکوم به فنا بی به همین تشبیهات فریبکارانه و مضحک متوسل شود. این آخرین بازیهای تمسخر آمیز حکومت اسلامی است. این عین پیروزی مردم و ایستادگی شان و عقب نشینی و اعترافات صریح کاربدستان رژیم اسلامی است و معنایی جز این ندارد که نیروی انتظامی جمهوری اسلامی با حق شهروندی بیگانه است و مردم توانسته اند علیرغم هر زخمی که از این رژیم تبهکار خورده اند، این چنین رژیم بی آبرویی را به ابراز غلط کردنهای مداوم بیندازند\*.

جمله مسئولیتهای "خرده ریز" احمدی مقدم، طرح امنیت اجتماعی بود که در آن نیروی ویژه جناب سردار حسابی محشر کردند! رعایت حقوق شهروندی زنان و جوانان را به حد اعلا رساندند. طبق آمار رسمی نیروی انتظامی، یک میلیون و دویست هزار زن به بهانه "بدحجابی" دستگیر، توبیخ و مجازات شدند. عملیات محیرالعقول حقوق شهروندی در سرکوب نسل جوان که کثرت هفتاد درصدی جمعیت عاقل و بالغ کشور را تشکیل میدهد، ارمغانی از انواع کلاه بوقی و آفتابه و زنگوله و شلاق و توهین علنی و در خیابانها گرداندن و نمایش پلیس نقاب پوش البته هنوز "رعایت حقوق شهروندی" قبل از بازداشت است! بعد هم یک خرده "زیاده روی" امثال کهریزک در کنار دهها بازداشتگاه آشکار و نهان دیگر و ستاره باران دانشگاهها و دستور اکید به دانشگاه اوین برای پذیرش دانشجو! و دهها شیرینکاری دیگر قبل از دستگیری و بازداشت است. هم احمدی مقدم و هم مردمی که سردار خورنیز اسلام قصد قلع و قمعشان را دارند، بخوبی میدانند که نه نیروی انتظامی که کل نظام جمهوری اسلامی با حق شهروندی در تناقض است. رسوایی بین المللی جمهوری اسلامی، رفتار وحشیانه و فوق خشن نیروی انتظامی در سرکوب و یورش به مردم و شقاوت بیمانند در زندانها، تردیدی برای بی آبرویی جمهوری اسلامی در اذهان جهانی باقی نگذاشته است. حقیقت این است که احمدی مقدم و نیروی انتظامی مرکب از لباس شخصی‌ها، سربازان غیبی امام زمان، پایگاههای مقاومت

به سوی دنیای عاری از کشتار دولتی از صفحه ۱



چشم کور میکنند. در عین حال ایران کشوری است با درصد بالایی از نسل جوان و با قدرت بسیار عظیمی برای تغییر. ایران با اینکه تحت حاکمیت رژیم ارتجاعیست، زمیننه های بسیار مساعدی برای تحقق یک دنیای بهتر را دارد. در ایران جنبش های وسیع زنان، جنبش سکولاریستی، جنبش قوی کارگری و جنبش دانشجویان وجود دارد از هشت ماه گذشته ایران به نظر من شاهد یک انقلاب عظیم است انقلابی برعلیه رژیم دیکتاتور و بر علیه دخالت مذهب در زندگی انسانها. امروز هیچ حزب و سازمانی در اپوزیسیون جرات دفاع از مجازات اعدام را ندارد، بلکه برعکس ما شاهد عروج یک جنبش عظیم علیه اعدام و سنگسار در جامعه هستیم. با اینحال وقتی در مورد آینده ایران فکر میکنم، نگرانیهایی دارم.

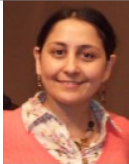
در ایران قریب ۱۰۰ سال است که ما برای یک زندگی بهتر و آزادی، علیه حکومتهای دیکتاتورحاکم مبارزه می کنیم. اما متأسفانه همواره شکست خورده ایم. مسئله ای که به نظر من بسیار اهمیت دارد

اینست که در حکومت آتی ایران باید حق آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده صد درصد تضمین شود! هیچ چیز نباید مقدس باشد! و هرگونه انتقاد از همه مقامات دولتی و سیاسی و انتقاد از مذهب و پرچم و میهن باید آزاد باشد. دولت موظف است تنها به امورات دولتی بپردازد و اجازه ندارد به تعصبات ملی، مذهبی و قومی دامن بزند. در ایران آتی نباید هیچ گونه فرهنگ و هنر دولتی و رسمی و یا تعصب گروهی دولتی وجود داشته باشد. نقطه آغاز رعایت حقوق بشر اینست که دولت یک ارگان نیوترال باشد و از آزادی بیقید و شرط بیان، عقیده و انتقاد برای همه دفاع کند. دیگر بس امان است که به نام خدا، شاه، پیغمبر، پرچم و وطن دستگیر و اعداممان کنند. ناسیونالیسم و مذهب همواره از مشکلات جدی ما در ایران محسوب میشدند و در حال حاضر در ایران شاهد روند مثبت فاصله گرفتن از این مقوله ها هستیم. حقوق بشر باید سکولار و انسانگرایانه تعریف شده و کلیه قوانین وحشیانه و اسلامی باید سریعاً لغو شوند. آزادی



گزارش مریم جبارزاده از کنفرانس حقوق بشر در آلمان

از صفحه ۱



مریم جبارزاده

آزادیهای فردی و حقوق انسانی اختصاص داده شد. در این بخش مینا احدی به عنوان اولین سخنران این پانل سخنرانی خود را پیرامون مجازات اعدام ایراد کرد. خانم احدی در این سخنرانی به مواجهه ای از نزدیک خود با مقوله اعدام چه در ظرفیت شخصی و چه به عنوان فعال جنبش علیه اعدام اشاره کرد و همزمان بر لزوم مبارزه برای لغو مجازات اعدام و سنگسار تاکید نمود. خانم ها مهین موسی زاده و دکتر اوپهوف به همراه دکتر آزمایش و آقایان هلموت گابل و علی بابایی از دیگر ارائه دهندگان مباحث طرح شده در این پانل بودند. در بخش تبادل نظر این قسمت از برنامه، شرکت کنندگان به اظهار نظر در خصوص بحث های مطرح شده پرداختند و مسائلی از قبیل اولویتهای فرهنگی یا سیاسی برای تغییر در ایران از جمله نقاط بحث برانگیز این پانل بشمار میرفتند. در این میان از خانم مینا احدی در خصوص عضویتشان در رهبری حزب کمونیست کارگری ایران و اینکه آیا این موضوع موجب احتیاط مردم در پذیرفتن یک جریان کمونیستی به عنوان آلترناتیو سیاسی رژیم جمهوری اسلامی نمیشود نیز سوال شد. (گزارش مشروح این اجلاس بزودی به سمع و نظر شما عزیزان خواهد رسید)

نیز با چشمندازی به آینده، بر لزوم تعهد دولت آینده ایران نسبت به رعایت و دفاع از آزادی بی قید و شرط بیان و عقیده تاکید نمودند. سپس خانم مهین موسی پور و آقای آزمایش به ترتیب در خصوص نقض حقوق مسیحیان و درویش توسط دولت جمهوری اسلامی توضیحاتی ارائه دادند. سخنران بعدی علی بابایی از سوی گروه "4 united Iran" در خصوص سرکوب و دستگیری های اخیر معترضین طی ماههای گذشته سخنرانی را ابراز داشتند. سپس، آقای رضا پهلوی از سوی "جنبش برای آزادی ایران" در خصوص ساختن یک جامعه مدنی در ایران نقطه نظرات خود را بیان کردند. در بخش دوم این کنفرانس مطبوعاتی، خبرنگاران حاضر در جلسه سوالات خود را مطرح نمودند و پس از پاسخگویی سخنرانان، کنفرانس مطبوعاتی به پایان رسید. بعد از کنفرانس مطبوعاتی، ساعت ۱۷ پانل دیگری در خصوص ایران برگزار شد در این پانل سخنرانان به بحث حول نقض حقوق اقلیت های مذهبی و قومی پرداختند. مشخصاً در خصوص تعقیب بهاییمان، درویش و کسانی که از دین اسلام خارج میشوند بحث و گفتگو شد. پانل دوم که ساعت ۲۰ آغاز و تا پاسی از شب ادامه داشت بار دیگر به موضوعات

سخنرانی دوم مینا احدی در کنفرانس سالانه حقوق بشر در شهر بن

من و میلیونها ایرانی دیگر را نسبت به واژه اعدام درک کنید. اما متأسفانه رابطه من با این واژه تنها محدود به این تجربه تلخ نیست. در آلمان هم هر چهارشنبه برای من یک روز سیاه است. برای اینکه همیشه سه شنبه ها لیستی از نام افرادی را دریافت میکنم که قرار است فردای آنروز اعدام شوند. به همین دلیل من چهارشنبه ها ساعت چهار صبح از خواب بیدار می شوم. برای اینکه این ساعتی است که در ایران محکومین به اعدام را میکشند. نوجوانانی از زندان به من تلفن میکنند و میگویند خاله مینا من یک هفته دیگه ۱۸ ساله میشوم خواهش میکنم کاری نکنید. طنین این جملات همیشه در گوشم است. بطور مثال علی مهین ترابی به من تلفن کرد و گفت: میتونید با مردم در آلمان صحبت کنید؟ میتونید کاری

دانشگاه تبریز بودم. ما در تبریز فراخوان دادیم و پیرو آن فراخوان حدود ۲۰۰۰ نفر از زنان و مردان آزادیخواه بویژه زنان، به خیابان آمدند و فریاد زدند "نه روسی! نه توسی!" اما جمهوری اسلامی موفق شد ما را سرکوب کند. بعد از آن اگر کسی میگفت که روسی سر نمیکنم و یا علیه رژیم اسلامی حرفی میزد و یا مثل ما با ماشین تحریر شینامه علیه این رژیم وحشی و ارتجاعی مینوشت، دستگیر و اعدام میشد. وقتی پاسدارها به منزل من یورش آوردند و همسرم را به همراه ۵ تن دیگر دستگیر کرده با خود بردند من در خانه نبودم، اما آنها را پس از یکماه اعدام کردند. وقتی همین جا می شنوید که چگونه پاسدارها شبانه به خانه امثال ما حمله میکردند و عزیزانمان را میبردند و به جوخه های اعدام میسپردند و هنگام تحویل جنازه ها پول گلوله های شلیک شده را طلب میکردند، میتوانید احساس

با نشریه انترناسیونال همکاری کنید

نشریه انترناسیونال را بخوانید و وسیعاً توزیع کنید

صفحه ۷

انقلابی انسانی، برای حکومتی انسانی!



مثل حکومت آپارتاید نژادی در آفریقای جنوبی برخورد کنید. همه سفارتخانه های جمهوری اسلامی باید بسته شوند. اروپا میتواند در کنار مردم ایران بیايستد. من به نمایندگی از طرف مردم ایران اعلام میکنم که ما بمب اتم نمیخواهیم! جنگ با غرب نمیخواهیم. ما حکومتی مدرن و سکولار میخواهیم که در آن تمام حقوق بشر عملی شود. که در آن هیچ گونه مقدساتی وجود نداشته باشد. حکومتی که در آن آزادی بیقید و شرط بیان تضمین شده باشد. من از حکومتی دفاع میکنم که اگر من علیه مقامات حکومتی یا علیه پرچم، وطن و پیغمبر حرف زدم مثل ۱۰۰ سال گذشته به زندان نیافتم. من خواستار حکومتی هستم مدرن، آزاد، سکولار، غربگرا و بر علیه اعدام، سنگسار، شکنجه و بدون زندانی سیاسی و بدون بمب اتم. خیلی متشکرم (گزارش و ترجمه سخنرانی اول و دوم مریم جبارزاده گزارشگر تلویزیون کانال جدید ۲۶/۳/۲۰۱۰)

جنسی وجود دارد، بدون لکننت زبان باید حرف بزنیم. من از این تریبون رو به دولتهای اروپایی صریحا اعلام میکنم که این دولتها به مردم ایران کمک نکرده اند بلکه همیشه با رژیم اسلامی تجارت و داد و ستد داشته اند. من بارها به پارلمان اروپا رفته ام، آقای بوزک، رئیس پارلمان اروپا که اینجا تصویرش پشت صحنه گذاشته شده است مرا میشناسد. بارها به ایشان در مورد اعدامها ایمیل داده ام و البته ایشان همیشه پاسخ این ایمیل ها را داده اند. من در برلین و سایر شهرها با مقامات دولتها، در مورد اعدام و سنگسار صحبت کرده ام و همواره به این مسئله انتقاد کرده ام که نمیتوان ۳۰ سال شاهد اعدام و سنگسار و اعمال خشونت بود و سکوت کرد. این غیر قابل قبول است. گویا به این تراژدی و این نقض فاحش حقوق انسانها عادت کرده ایم! رژیم اسلامی يك رژيم آپارتاید جنسی است و درخواست من از اروپائیان اینست که با رژیم جمهوری اسلامی

آشنایی دارد. تفاوت بین خاتمی و رئیس جمهور پیش از او تا آنجا که به مسئله اعدام مربوط میشود در این بود که در دوران خاتمی، سنگسار در ملا عام انجام نمیشد بلکه پشت درهای بسته زندان سنگسار میکردند. من این را فرم نمیدانم! من اینجا به عنوان يك زن اعلام میکنم که رابطه جنسی يك مسئله کاملا شخصی است و هیچ کس، هیچ مردی و هیچ دولتی اجازه دخالت در این مسئله شخصی را ندارد. اگر زنی رابطه جنسی خارج از ازدواج دارد، به خودش مربوط است و هیچ کس حق تعیین تکلیف برای او را ندارد، چه برسد به اینکه او را سنگسار کنند. آیا این فرم است که من پشت درهای بسته سنگسار شوم و نه در ملا عام؟ خیر این فرم نیست! امروز در ایران با خشم فراوان، میلیونها نفر قیام کرده و به خیابانها رفته اند. من اسم انقلاب جاری را انقلاب سبز نمیگذارم. بلکه این انقلاب جوانانست که به خیابانها آمده اند! این انقلاب بروز خشم میلیونها جوان، کارگر و زنان و مردانست که فریاد زدند "مرگ بر دیکتاتور! که فریاد زدند ما دیگر این قوانین اسلامی را نمیخواهیم! به نظر من ما در خارج کشور باید مواضع صریح اتخاذ کنیم در این باره که در ایران جنبش عظیمی علیه قوانین وحشیانه اسلامی و بر علیه اعدام و سنگسار و حجاب اجباری و آپارتاید

## سخنرانی دوم مینا احدی ...

از صفحه ۶

فعالیتها گسترده ای در ایران داریم و سعی کرده ایم بویژه چهره زنانی که در زندانها به سر میبرند را مطرح کنیم، و بر علیه اعدام آنها و همه اعدامها در ایران مبارزه کنیم. سعی کرده ایم به این زنان ناشناس چهره بدهیم و جامعه را مطلع کنیم که این زنان چه کسانی هستند و برای چه در زندان بسر میبرند. چند تا بچه دارند؟ چه امیدها و چه آرزوهایی دارند؟ یا حتی چه نوع موسیقی را دوست دارند؟ ما کارهای رسانه ای متعددی انجام داده ایم. همینجا ایرانیهایی حضور دارند که مرا میشناسند و با مبارزات من علیه اعدام آشنایی دارند. مستقل از تعلق سیاسی هر یک از این دوستان، میتوانند این فعالیتها و وجود این جنبش عظیم علیه اعدام در ایران را تایید کنند. ما تلاش میکنیم به این جنبش چهره و صدا بدهیم. اینجا میخواهم اعلام کنم که این رژیم با قوانین اسلامی اش فرم پذیر نیست و اینرا بعنوان يك فعال سیاسی با سابقه سی سال مبارزه مطرح میکنم. هشت سال تمام خاتمی رئیس جمهور ایران بود و از فرم صحبت میکرد. در تمام این مدت ما علیه سنگسار مبارزه میکردیم و گه گاهی نیز با خود آقای لژتینن که در اینجا ریاست جلسه را دارد، کنفرانس مطبوعاتی داشتیم. از این جهت جامعه بین المللی حقوق بشر با فعالیتهاى من

کنید؟ من دارم ۱۸ ساله میشوم!؟ میدانید چرا؟ برای اینکه رژیم اسلامی هم اکنون ۱۶۰ نوجوان را در زندانهایش دارد، که پس از اینکه ۱۸ سال شدند اعدامشان می کند، و این نوجوانان از روز تولد ۱۸ سالگیشان میترسند. ما امروز در مورد يك رژيم وحشی اسلامی و بیرحم صحبت میکنیم. حتما میدانید که در ماههای گذشته جوانان و مردم به خیابانها آمدند، فریاد زدند: مرگ بر دیکتاتور! مرگ بر خامنه ای! پس از آن رژیم اعلام کرد که این جنگ بر علیه خداست! و تعدادی از معترضین دستگیر شده به اتهام محاربه با خدا به اعدام محکوم شدند. من معتقدم که در ایران نه تنها جنبش عظیمی بر علیه اعدام وجود دارد، بلکه بسیاری از جوانان میگویند اگر خدا چیزی شبیه به خامنه ایست، ما این خدا را هم نمیخواهیم. این جنبش بسیار عظیم است. مثلا در شهر سیرجان مردم چوبه های دار را به آتش کشیدند و دو تن از محکومین به اعدام رانجات دادند. اما متأسفانه رژیم موفق شد این دو جوان را دوباره دستگیر و اعدام کند. میدانید ماهیت اعدام چیست؟ اعدام یعنی قتل عمد دولتی! اعدام يك حربه مهم اعمال فشار بر علیه زنان، دانشجویان و کلا بر علیه مردم و برای سرکوب هرگونه اعتراضی است. ما

## مساله امنیتی در قم!



مصطفی صابر

اتفاق دیروز قم جالب توجه بود. وزارت اطلاعات جنازه "حاجیه خانم ربابه" همسر هشتاد و چند ساله منتظری را توقیف کرد و خود به گورستان برد تا مبادا تشییع آن بهانه ای برای اجتماع و اعتراض بشود! جالبتر اینکه با وجود جسد ربایبی و تدارکات وسیع انتظامی و حضور لباس شخصی ها و غیره، به فاصله چند ساعت ویدئو های از عزاداران معترض روی یوتیوب آمد. (گویا يك شعار جدید و بامزه هم داده اند: "تشییع بی جنازه، اینهمه به ظلم تازه")

پیشترها بالا رفتن روسری و دوچرخه سواری دختران، تی شرت پسران و غیره ارکان حکومت اسلام را به لرزه درمی آورد. بعد هم هر کلاس درس دانشگاه و هر اجتماع جوانان و صد البته جنازه و حتی قبر نداها و اشکان ها مایه وحشت و اضطراب رژیم اسلامی شد. اما حالا حتی تشییع جنازه "حاجیه خانم" های خودی و بنیانیگذاران جمهوری اسلامی، آهم در امن ترین نقطه اسلام یعنی حرم معصومه، "مساله امنیتی" برای رژیم اسلامی میشود! دیگر چه چیز در ایران باید "امنیتی" شود؟ اعتصاب و تظاهرات و اجتماع و سخنرانی و روزنامه و تلویزیون ماهواره ای و اینترنت و اس ام اس که جای خود دارد، چهارشنبه سوری و دید و بازدید عید و کوه رفتن و عزا و عروسی و پارتی گرفتن هم برای جمهوری اسلامی مساله امنیتی است. هر جا که جمعیت

شکل بگیرد و تحت کنترل نباشد يك تهدید بالقوه برای رژیم است. در نتیجه "هم تاکتیک و هم استراتژی" رژیم اسلامی برای بقاء اساسا يك چیز است: اجازه شکل گیری و ابراز وجود به جمعیت ندهد. این تاکتیک بنحو همه جانبه و پیگیر بعد از تظاهرات کوبنده ۶ دی (عاشورا) از سوی رژیم اتخاذ شد. در ۲۲ بهمن با خرج و هزینه زیاد و منتهای وحشیگری به اجرا درآمد و اکنون چنانکه می بینیم تنها و آخرین تکیه گاه حکومت اسلامی است.

سایت حزب: [www.wpiran.org](http://www.wpiran.org)  
 سایت روزنه: [www.rowzane.com](http://www.rowzane.com)  
 نشریه انترناسیونال: [www.anternasional.com](http://www.anternasional.com)  
 سایت کانال جدید: [www.newchannel.tv](http://www.newchannel.tv)  
**آدرس تماس با حزب:**  
 Tel: 0046-739318404  
 Fax: 0046- 8 6489716  
 Email: [markazi.wpi@gmail.com](mailto:markazi.wpi@gmail.com)  
**تلفن تماس با حزب در خارج از کشور**  
 خلیل کیوان، دبیر کمیته خارج ۰۰۴۶۷۰۴۱۵۸۹۹۹  
**تلفن تماس با حزب از ایران**  
 شهلا دانشفر: دبیر کمیته سازمانده ۰۰۴۶۷۷۹۸۹۸۹۶۸  
 آدرس پستی:  
**I.K.K, Box: 2110, 127 02 Skärholmen - Sweden**

## شماره حساب و تلفن تماس برای کمک مالی

### سوئد:

Sweden, Post Giro: 639 60 60-3  
account holder: IKK

برای کمک مالی به کانال جدید در سوئد همچنین می‌توانید با فواد روشن با شماره تلفن ۰۷۰۸۲۷۱۴۵۳ تماس بگیرید، تا با دادن شماره حساب خود اتوماتیک هر مقدار که مایل باشید از حساب شما برداشته شود.

### آلمان:

Germany, Rosa Mai  
Konto. Nr.: 583657502  
Bankleitzahl: 37010050, Post Bank

### کانادا:

Canada, ICRC, Scotiabank  
4900 Dixie Rd, Mississauga, L4W 2R1  
Account #: 84392 00269 13

### هلند:

Bank: RABOBANK  
Darande hesab: FVIVN  
Shomare hesab: 15 13 50 248  
Adres: EINDHOVEN  
IBAN No: NL74 RABO 0151 350 248

### آمریکا:

Bank of America  
277 G Street, Blaine, Wa 98230  
phone # 1-360-332-5711  
Masoud Azarnoud  
Account number : 99 - 41581083  
wire: ABA routing # 026009593  
swift code : BOFAUS3N  
شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور دیگر:  
England, Account nr. 45477981  
sort code: 60-24-23  
account holder: WPI  
branch: Wood Green, Bank: NatWest  
IBAN: GB77 NWBK 6024 2345 81 4779

### BIC: NWBK GB 2L

سوالی دارید می‌توانید با شماره های زیر تماس بگیرید:  
از اروپا:

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱  
کانادا و آمریکا:  
فاتح بهرامی: ۰۰۱۴۱۶۷۲۹۷۲۵۷  
مصطفی صابر: ۰۰۱۶۰۴۷۳۰۵۵۶۶  
از ایران: عبید گلپریان ۰۰۳۵۸۴۰۵۷۵۸۲۵۰

## لغو مجازات اعدام

مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است. همچنین مجازات حبس ابد باید لغو شود.

از "یک دنیای بهتر"  
برنامه حزب کمونیست کارگری



برای نجات اکرم مهدوی

## در آستانه اعدام

کجای قانون نوشته باز پرس حق دارد از متهم تقاضای رابطه کند، درزی از من خواست "بیا سیغه ات کنم" ...

از درزی شکایت کردم یک مرد دیگر مسئول پرونده من شد، مرد خوبی بود فقط کتکم میزد حرف رکیک نمیزد...!!

اکرم مهدوی پنج سال است که در زندان است و اکنون ۳۴ سال دارد. از او شاکیان پرونده که فرزندان مردی هستند که به قتل رسیده، پول کلانی می‌خواهند و مینا جعفری وکیل پرونده، از مردم دعوت به کمک کرده و تا کنون این پول یعنی ۳۰ میلیون تومان جمع نشده است.

اکرم مهدوی یکبار پای چوبه دار رفت. خودش این روزها را چنین تعریف میکند...

ساعت 6 صبح خانم اسماعیل زاده آمد دنبالم، گفت دادگاه داری، اما فهمیدم دروغ می‌گوید. می‌خواهند حکم را اجرا کنند، از همه حلالیت طلبیدم. من را به سوئیت بردند، آن شب یعنی ۱۸،۷،۸۸ بهنود شجاعی هم با من بود. به سوئیت رفتم و غسل توبه کردم، ساعت سه نصف شب مرا پای چوبه دار بردند. همانجا رئیس بند نسوان گفت وکیلت برایت رضایت گرفته، مرده‌ی مرا توی بند برگردانند. هیچوقت یاد نمی‌روم. خانواده ام هم حتی موقع قضاصم نیامدند. اصلاً اگر آنها بین دختر و پسرهایشان فرق نمی‌گذاشتند، من الان اینجا نبودم.

این سرگذشت عمیق فاجعه ای به اسم جمهوری اسلامی ایران را نشان می‌دهد. حکومتی قرون وسطایی و فاسد و ضد زن و ضد انسان. باید به اکرم کمک کرد و باید کاری کرد که از زیر دست جلادان اسلامی نجات یابد. من از همگان دعوت می‌کنم که کمک کنند اکرم مهدوی از اعدام نجات دهیم.

مینا احدی سخنگوی کمیته بین المللی علیه اعدام  
۱ آوریل ۲۰۱۰

[minaahadi@aol.com](mailto:minaahadi@aol.com)

## یک زن دیگر، یک سرگذشت دیگر،

عمق فاجعه ای به اسم جمهوری اسلامی

است. در ایران و در خارج حسابهایشان پر از پول است و ویلاها و قصرهایشان افسانه ای است. اکرم اما از بد روزگار در دوران حاکمیت، تروریستهای اسلامی بر ایران به دنیا آمده که مشتی چپاولگر و فاسد بر آن حاکمند و او باید بسوزد و بسازد... نه فقط بدلیل فقر، بلکه به دلیل تجاوز و جنایت و اعدام، مشتی مفتخور ضد زن که در ایران زنان را مایمک مردان تعریف کرده و آنها را زیر پا له می‌کنند. بقیه داستان را گوش کنید...

من زن چهارم این پیرمرد بودم و در رابطه با او هیچ گاه ارضا نشدم. اما از او راضی بودم، چرا که نانی به من و فرزندم میداد و مرا که جوانترین زن او بودم، دوست داشت.

او مجبور به ازدواج با یک مرد ۷۵ ساله میشد، برای اینکه جایی برای زندگی و لقمه نانی برای خوردن داشته باشد. راه حلی که حاکمین و ملاهای مفتخور در قابل بسیاری از زنان قرار میدهند...

از وقتی که دخترم به من گفت "حاج آقا به من ور می‌رود و از من می‌خواهد با او باشم" دیگر تحملم از دست رفت. این مرد که بجای پدربزرگ من است، می‌خواهد حتی با دخترم هم رابطه داشته باشد؟؟

یک روز بعد از اینهمه عذاب، با هم جرمم، به این مرد پیر، قرص دیازپام دادم و مردی که با من همدمی کرده بود، او را کشت. به این اتهام خود را تحویل دادم و اکنون اینجا هستم.

۱۲ شب بود که پدرم مرا به آگاهی شاپور تحویل داد و رفت. سه روز تمام زیر مشت و لگد بودم. مرا از پاهایم آویزان کرده و سرم پایین بود. هر چه بی حرمتی بود، تارم کردند. شکنجه گر من آقای درزی بود. آنجا سه دندانم را شکستند و این آقا به من میگفت "شوهر جوون می‌خواستی!!" او هر چه بی حرمتی بود به من کرد، حرفهای رکیکی که لایق خودش بود.

جرم من چه بود. من زنی بودم که نمی‌خواستم به دخترم در ستین کودکی تجاوز بشود و کسی از من دفاع نمی‌کرد.

اگر خدایی هست، اگر قانونی هست چطور فقط برای ما است. برای آنها قانون و خدا نیست. به من بگویید در زندانها، جیب هایشان پر از دلار

اکرم مهدوی: دیگر تحمل این وضع را ندارم، اعدام کنید!

نگاهی به یک پرونده، نگاهی به یک زندگی

در ۱۳ سالگی به زور ازدواج می‌کند. دختری از یک خانواده فقیر، با پنج برادر و دو خواهر. خواهرش فلج بود و اکرم صرع داشت. از کودکی چیز زیادی به خاطر ندارد، جز اینکه بین پسر و دختر خیلی فرق می‌گذاشتند. محبتی ندیده و در همان دوران کودکی ۱۳ سالگی برای اینکه بقول خودش یک نان آور را کم کنند به زور او را به پسر دایی اش میدهند.

تا همین جای زندگیش میتوان دید که چه ظلمی به یک کودک میشد که در آغاز بلوغ، او را به بستر مردی می‌فرستند که به این کودک تجاوز کند و اسم این جنایت را ازدواج می‌گذارند. همسرش با یک زندیگر ازدواج میکنند و او با هزار بدبختی از شوهر اولش، طلاق می‌گیرد.

اکرم باز با مکافات فراوان حق تکفل تنها دخترش را به دست می آورد و زندگی جدیدی را شروع میکند...

کدام زندگی. بدون داشتن حمایتی از سوی نهادهای دولتی و یا از سوی فامیل و دوستان. او این بار "بی سرپرست" در یک جنگل خطرناک که حکومت اسلامی ساخته رها میشود. بدون کار، بدون پول و بدون امکانات اجتماعی. پول و امکانات در دست آخوندها و اعوان و انصار و کاسه لیسان و جنایتکاران حاکم جمع شده. از رفسنجانی و آقا و خانم زاده هایش گرفته، تا خامنه ای و احمدی نژاد و روسای سپاه و جلادان و تجاوز کنندگان در زندانها، جیب هایشان پر از دلار

اعدام قتل عمد دولتی است!



## در حاشیه حکم برائت محمود صالحی

شهلا دانشفر



کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، طی اطلاعیه ای در ۷ فروردین خیر از صدور حکم برائت برای محمود صالحی میدهد. در واقع دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی زیر فشار اعتراضات ناگزیر به عقب نشینی و صدور حکم برائت برای محمود صالحی شد. همگان میدانند که محمود صالحی جرمش حمایت از کارگران و مبارزه برای حقوق حقه خود بوده است و در واقع این سران جمهوری اسلامی هستند که بخاطر سی و یک سال جنایت و سرکوشان باید محاکمه شوند. قضیه از این قرار است که جمهوری اسلامی محمود صالحی را در ۲۰ فروردین ۸۶ به جرم شرکت در مراسم اول مه سال ۸۳ در شهر سقز، بیشمارانه به یک سال زندان محکوم کرد و در آن سال در فاصله ای کوتاه مانده به اول مه به او حکم دادند، تا کل کارگران را برای برگزاری چنین روزی مورد تهدید و ارباب قرار دهند. محمود صالحی مدت یکسال در زندان این جنایتکاران زیر شدیدترین فشارها، در اسارت بود و او که قرار بود در ۲۸ اسفند ۸۶ بعد از پایان دوره محکومیتش از زندان آزاد شود، با مخالف فردی بنام مبارکی، دادیار دادگاه جمهوری اسلامی، دوباره برایش حکم بازداشت موقت صادر شد. در آن هنگام بود که محمود صالحی در اعتراض به این حکم اقدام به اعتصاب غذای خشک کرد و زیر فشار این اعتراض و کمپینی بین المللی که در حمایت از او برافه افتاده بود، سرانجام پس از سپری شدن، ۱۸ روز جمهوری اسلامی او را در تاریخ ۱۸ فروردین ۸۷ با قید وثیقه ۴۰ میلیون تومانی از زندان آزاد ساخت. ضمن اینکه در همان روز در شعبه اول دادگاه انقلاب جمهوری اسلامی در سندج با ریاست قاضی حسن بابایی، برای او دادگاهی دیگر به اتهام انتشار مقاله در حمایت از کارگران خاتون آباد و پیام به دانشجویان در روز دانشجو در سال

جانان بهای سنگینی پیدا کند و به غلط کردن بیفتند. همانطور که در مورد بازداشتگاه کهزیک آنها را به این خفت و به این عقب نشانی و ادار کردیم. منصور اسانلو رییس هیات مدیره سندیکای شرکت واحد ۱۷ ماه است که در زندان است، چرا؟ ابراهیم مددی و علی نجاتی زندان هستند، چرا؟ فرزند کمانگر هنوز حکم اعدام روی سرش است چرا؟. در شرایطی که کل جامعه مترصد فرصتی است که بیرون بریزد و بساط این رژیم را جمع کند، ۱۷ هزار کارگر شرکت واحد بهمره خانواده هایشان نیروی عظیمی هستند که میتوانند جلو بیایند و نه تنها منصور اسانلو و ابراهیم مددی را از زندان آزاد کنند، بلکه در صف جلوی حرکتی گسترده برای باز کردن درب زندانها قرار بگیرند و کاری کنند که همه زندانیان سیاسی از زندان آزاد شوند. ۵ هزار کارگر نیشکر هفت تپه با خانواده هایشان، کارگرانی که تجربیات خوبی از مبارزات متحد داشته اند، کارگرانی که توانستند با اعتراضات با شکوهشان، تشکل خود، سندیکای نیشکر هفت تپه را بسازند و دستمزدهای پرداخت نشده خود را از حلقوم این جنایتکاران بیرون بکشند، امروز میتوانند در همین نقش و قامت ظاهر شوند. بویژه امروز بدنبال بیش از ۹ ماه اعتراض و مبارزه فشرده کل جامعه، در شرایطی که صفوف رژیم بیش از پیش در هم ریخته و به جان هم افتاده اند، این فرصت بیش از پیش فراهم است. و باید برای زدن ضربه قطعی بر پیکر این رژیم خود را آماده کنیم. باید فشار بیاوریم تا کارگران زندانی و همه زندانیان سیاسی فوراً از زندان آزاد شوند. الان خانواده های زندانیان سیاسی هر شب در مقابل زندان اوین جمع میشوند و تحت فشار همین اجتماعات اعتراضی تا کنون تعداد زیادی از بازداشت شدگان از زندان آزاد شده اند. از جمله در همین هفته مریم ضیا از فعالین حقوق کودک از زندان آزاد شد. باید به این تجمعات وسیعاً پیوست. باید یک خواست فوری همه کارگران و همه بخش های مردم در اعتراضاتشان آزادی فوری زندانیان سیاسی و لغو مجازات اعدام باشد. تحت فشار چنین مبارزاتی جمهوری اسلامی جرات

نخواهد کرد براحتهی دست به بازداشت و فشار بر روی فعالین کارگری و رهبران مبارزات اعتراضی مردم بزند. امروز وقت تعرض است. باید آخرین ضربات را بر پیکر متلاشی این رژیم زد. باید این تقلابهای آخرش را به شکست کشاند. باید آخرین دندانهایش را کشید. باید با تمام قامت به جلو بیایم. با شوراهایمان، با منشورها و بیانیه هایمان و با اعتصابات اختطاری و سراسری مان در تمام شهرها، به رژیم اسان ندهیم. همین الان منشور مطالبات حداقل کارگری از سوی چهار تشکل کارگری بیرون داده شده است، دورش جمع شویم و برای به کرسی نشاندن خواستهایی که در آن طرح شده صف خود را متحد کنیم. شورای موقت کارگران ذوب آهن و

### ده خواست فوری مردم!

حزب کمونیست کارگری بمنظور قدرت گیری هر چه بیشتر جنبش انقلابی مردم، تثبیت دستاوردهای آن، و تسهیل پیشروی آن در جهت سرنگونی جمهوری اسلامی مفاد زیر را بعنوان ده خواست فوری و حداقل مردم اعلام میدارد:

- ۱- بازداشت و محاکمه علنی آمرین و عاملین کشتارهای اخیر و کلیه جنایات جمهوری اسلامی در سی سال گذشته
  - ۲- آزادی زندانیان سیاسی
  - ۳- لغو مجازات اعدام
  - ۴- لغو حجاب اجباری و جداسازی جنسیتی
  - ۵- لغو کلیه قوانین ضد زن و تبعیض آمیز علیه زنان. برابری کامل حقوق زن و مرد
  - ۶- جدائی کامل مذهب از دولت، از سیستم قضائی، و از آموزش و پرورش. آزادی کامل مذهب و بی مذهبی بعنوان عقیده و امر خصوصی افراد
  - ۷- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تشکل و تحزب
  - ۸- برسمیت شناسی حقوق مساوی برای همه شهروندان ایران مستقل از مذهب، زبان، و یا قومیت و ملیت
  - ۹- محاکمه آیت الله ها و مقامات حکومتی و ایادی آنان بجرم غارت و چپاول اموال مردم و باز پس گرفتن اموال غارت شده از آنان
  - ۱۰- تامین و تضمین یک زندگی مرفه و منطبق بر آخرین استانداردها و امکانات در پیشرفته ترین جوامع برای همه شهروندان. افزایش فوری حداقل دستمزد و حقوق به یک میلیون تومان
- این فرمان جنبش آزادیخواهانه مردم است. اینها خواستههای حداقل و فوری مردمی است که در صفوف میلیونی به خیابان آمده اند و شعار مرگ بر جمهوری اسلامی سر داده اند. این حداقل شرایطی است که هرکس که داعیه همگامی با اعتراضات مردم را دارد باید از آن دفاع کند.
- مردم ایران برای تحقق این خواستها و سرنگونی جمهوری اسلامی با قدرت به مبارزه خود ادامه خواهند داد. حزب کمونیست کارگری ایران

۵ تیرماه ۱۳۸۸، ۲۶ ژوئن ۲۰۰۹

**یک دنیای بهتر برنامه حزب را بخوانید**  
و در سطح وسیع توزیع کنید

**نه قومی، نه مذهبی، حکومت انسانی!**



به تشکل ها و رهبران کارگری همه کشورها: از صفحه ۱  
اول ماه ماه، روز جهانی کارگر در سال ۲۰۱۰

اندام، معرفی و محاکمه آمرین و عاملین کشتارهای اخیر، آزادی بی قید و شرط اعتصاب و تشکل و تحزب، الغاء حجاب و آپارتاید جنسی، جدایی مذهب از دولت و افزایش فوری حداقل دستمزد به یک میلیون تومان و غیره که چه در تظاهراتهای مردم و اعتصابات کارگری و چه در بیانیه های تشکل های کارگری در ایران به انحاء گوناگون طرح شده است.

حزب همچنین همه ایرانیان مقیم خارج را فرامیخواند تا همراه با تشکیلات های حزب کمونیست کارگری در کشورهای مختلف در تظاهرات و اجتماعات اول ماه مه شرکت کنند و ضمن گرامیداشت روز اتحاد جهانی کارگران در تلاش برای جلب همبستگی بین المللی هرچه وسیعتر با مبارزه برحق کارگران و مردم ایران بر علیه جمهوری اسلامی و تحقق آزادی و برابری سهم هرچه بیشتری بر عهده گیرند.

زنده باد اول ماه مه  
زنده باد همبستگی جهانی کارگران  
سرنگون باد جمهوری اسلامی  
زنده باد جمهوری سوسیالیستی  
حزب کمونیست کارگری ایران  
۱۲ فروردین ۱۳۸۹

دقیقا برای این برپا کردند تا اولاً طبقه کارگر بپاخواسته در انقلاب ۵۷ را سرکوب کنند و به بردگی وحشیانه بکشند. ثانياً، از هالوکاست اسلامی در ایران الگو، ابزار و محملی برای هجوم به مردم، مدنیت و کل آزادیخواهی در منطقه و در جهان بسازند. اکنون که مردم ایران به انقلاب علیه جمهوری اسلامی برخاسته اند باید پرشورترین حامیان خود را در صف کارگران جهان بیابند.

حزب کمونیست کارگری همه تشکل ها، فعالین و رهبران کارگری سراسر جهان، همه سازماندهندگان و شرکت کنندگان در تظاهرات و اجتماعات اول مه امسال را فرامیخواند تا روز جهانی کارگر ۲۰۱۰ را به روز همبستگی بین المللی با کارگران و مردم ایران تبدیل کنند. در سخنرانی ها و بنرها و شعارهای اول ماه مه امسال باید مبارزه انقلابی مردم ایران علیه یکی از سفاکترین رژیم های سرمایه داری مورد حمایت جنی قرار گیرد و خواست های فوری کارگران و مردم ایران بصورت یک قطعنامه جهانی به تصویب همه اجتماعات برسد. خواسته هایی نظیر آزادی فوری همه زندانیان سیاسی، لغو مجازات

وی به موارد نقض حقوق زنان و کودکان مهاجر اشاره کرده از جمله اینکه موارد خشونت های جنسی نسبت به زنان مهاجر و کودکان شان در ژاپن بسیار بالاست. از جمله موارد نگران کننده دیگر، حق سرپرستی کودکان زنان مهاجر است که به وضعیت اقامتی اش وابسته است و عملاً مادری که اقامت نداشته باشد از حق سرپرستی کودکش نیز محروم میشود. کودکان مهاجر زیادی از تحصیل و آموزش محروم هستند.

توکيو اول آوریل ۲۰۱۰

\*\*\*

در ادامه این گزارش فرهاد حسینی اشاره میکند که با جمال صابری ملاقات کرده و از شادمانی او بخاطر حرکت قدرتمند ۳۱ مارس و تشکر و قدردانی وی از کلیه کسانی که برای نجات وی تلاش و فعالیت میکنند، و پیام وی در همین رابطه خبر میدهد. در پیام جمال صابری آمده است: "تلاش و مبارزه شما تنها مبارزه ای برای حق برخورداری من از یک حقوق اولیه انسانی زندگی آزاد نیست. امروز به ویژه در ژاپن مبارزه برای نجات من با مبارزه علیه جمهوری اسلامی و علیه پروسه تثبیت موقعیت رژیم در ژاپن گره خورده است. وحتى فراتر از این، تلاش برای نجات من؛ عملاً تلاشی برای نجات دهها هزار پناهجو و مهاجر بازداشتی است." جمال در پیام خود همچنین در رابطه با اعتراض همزمان بازداشتی ها با تظاهرات روز ۳۱ مارس میگوید: "ما نیز با فریادهای اعتراضی خود ساختمان بازداشتگاه را به لرزه درآوردیم. با شنیدن هر جمله از سخنان شما و هر یک از شعارهای شما، پراز نیرو و انرژی شده بودیم. همه ما چنان فریاد میزدیم که الان صدایمان گرفته است. احساس میکردیم در کنار شما هستیم. و با شما فریاد میزنیم. فرهاد حسینی همچنین گزارش میکند که در این روز با وکیل جمال و نماینده دفتر امنستی در توکیو تماس گرفته و قرار شده است که با آنها دیدار و ملاقات های جداگانه ای داشته باشد.



مشکلات در این حوزه پرداخته و اشاره میکند: مهاجرین و کارگران مهاجر در ژاپن از حقوق برابر و آزاد با شهروندان ژاپنی برخوردار نیستند. راسیسم و تبعیض بر اساس نژاد و ملیت در ژاپن رایج و متداول است. قوانین فعلی ژاپن تدابیری برای حمایت و دفاع از حقوق مهاجرین فراهم نیاورده و این قوانین باید تغییر یافته و از حقوق برابر مهاجرین حمایت کند. برنامه آموزشیهای صنعتی و کارآموزان تکنیکی که عموماً در خدمت به کارگیری نیروی کار ارزان است عملاً حقوق و آزادیهای کارگران مهاجر را نقض کرده و در مواردی شرایط بردگی ایجاد کرده است. این برنامه ها باید تغییر و اصلاح یابند. سیستم قضایی ژاپن نیز حق فرجام خواهی های حقوقی خارجی از شهروندان ژاپنی را گرفته و با محدودیتهای زیادی مواجه کرده است. ما اطلاع پیدا کردیم که در موارد زیادی پلیس از پذیرش شکایات مهاجرین در خصوص خشونت های فیزیکی، نقض حقوق مدنی و خشونت و آزارهای جنسی سر باز زده است.

وی همچنین به سیاست بازداشت مهاجرین و پناهجویان اشاره کرده و ادامه میدهد: سیاست بازداشت مهاجرین غیرقانونی نگرانی های زیادی را ایجاد کرده است. این سیاست بازداشت مهاجرین و پناهجویان به یک سیاست ثابت و متداول و عمومی در ژاپن تبدیل شده. بازداشت طولانی مدت مهاجرین و پناهجویان (بین ۲ تا ۳ سال)، بازداشت اولیا و کودکان، بازداشت بیماران و ناتوانان از جمله موارد جدی نقض حقوق مهاجرین و پناهجویان میباشد. دولت ژاپن باید این سیاست را اصلاح کند. زمان بازداشتی ها باید شدت کاهش پیدا کرده و در مواردی که امکان بازگرداندن کسی به کشورش نیست باید فوراً او را آزاد کنند. از سوی دیگر نگرانی های زیادی در خصوص وضعیت بازداشتگاهها، وضعیت بهداشت و سلامتی در بازداشتگاهها و عدم دسترسی بازداشتی ها به امکانات پزشکی و دارو و درمان، محرومیت بازداشتی ها از وجود مکانیسمهای موثر حقوقی برای اعتراض به موارد نقض حقوق بشری که به آن مواجه میشوند، و شکایت و دادخواهی به ارگانهای رسیدگی در بازداشتگاهها، وجود دارند.

## گزارش فرهاد حسینی از انعکاس مطبوعاتی اقدام جهانی ۳۱ مارس

انعکاس خبری کنفرانس مطبوعاتی ۳۱ مارس

کنفرانس مطبوعاتی گزارشگر ویژه سازمان ملل در خصوص وضعیت مهاجرین و پناهجویان در ژاپن در روز ۳۱ مارس بازتاب خبری وسیعی در سطح بین المللی پیدا کرده بود. از جمله خبرگزاریهای مهمی مانند فاینانشال تایمز، آسوشیتدپرس، دی هندو و ژاپنیز تایمز با عناوینی مانند: گزارشگر ویژه سازمان ملل برنامه های برنامه های آموزشی خارجی را برده داری خواند. (ژاپنیز تایمز) سازمان ملل خواهان حمایت از حقوق مهاجرین شد (دی هندو). برخورد ژاپن با مهاجرین مورد انتقاد قرار گرفت. (فاینانشال تایمز)، نماینده ویژه سازمان ملل: راسیسم و تبعیض پدیده ای رایج در ژاپن (آسوشیتد پرس). این موضوع پرداختند. همچنین ژاپنیز تایمز در گزارش دیگری به تظاهرات در مقابل اداره مهاجرت پرداخته و گزارش مفصلی از این تظاهرات ارائه داد. در این گزارش به یازدهمین روز اعتصاب غذای ۷۰ تن از مهاجرین و پناهجویان بازداشت که در مرکز کنترل مهاجرت غرب ژاپن در توکیو اشاره کرده و همچنین با اشاره به مرگ یک پناهجوی غنایی پس از دیپورتش از ژاپن به غنا، دلایل نگرانی فعالین حقوق بشر در ژاپن نسبت به سیاستهای ضد انسانی بازداشت پناهجویان و مهاجرین را توضیح داده بود.

خبرگزاریهای ژاپن نیز با اشاره به اظهارات و گزارش آقای بوستامانتا به نقد سیاستهای غیر انسانی دولت ژاپن نسبت به مهاجرین و پناهجویان ناگزیر شدند.

## گزارش بوستامانتا گزارشگر ویژه سازمان ملل

در گزارش بوستامانتا به مسائل و مشکلات مختلف مهاجرین و کارگران مهاجر اشاره شده و سیاستهای دولت ژاپن در خصوص مهاجرین به باد انتقاد گرفته شده است. در این گزارش آمده:

کارگران مهاجر در ژاپن با مشکلات حقوق بشری جدی به ویژه بعد از بحران اقتصادی مواجه شده اند. وی به لیستی از مهمترین



WE STILL NEED MARX  
TO CHANGE THE WORLD

حزب کمونیست کارگری ایران  
Workers Communist Party of Iran  
www.wcpi.org

ایران مردمی جمارل بی بی بی

۳۱ مارس ۲۰۱۰ روز اقدام جهانی

علیه سیاستهای ضد پناهندگی دولت ژاپن

گزارشی تصویری از آکسیونهای اعتراض در برابر کنسولگری ژاپن در ۳۱ مارس در کشورهای مختلف



برلین - آلمان



لندن



لندن



استکهلم - سوئد



فرانکفورت - آلمان

### کانال جدید را وسیعاً تبلیغ کنید

برنامه های کانال جدید از ماهواره نایل ست و ۲۴ ساعته پخش میشود. مشخصات کانال جدید را به دوستان و آشنایان خود اطلاع دهید و به هر شکل که میتوانید وسیعاً آنرا تبلیغ کنید.

مشخصات کانال جدید در ماهواره نایل سات به این قرار است:

Satellite: AB4A/NILESAT103 @ 7

Degrees West Freq: 10873

Polarity: Vertical Symbol Rate: 27,500

Fec: 3/4



جمال صابری

گزارشش وارد کند. پس از آن با خانم والتینا میلانو وکیل کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل صحبت کردم. خانم والتینا همکار آقای بوستامانتا در بررسی و تهیه گزارش وضعیت مهاجرین در ژاپن است. او گفت که از شنیدن ماجرای جمال شوکه شده بود و این یک کیس اضطراری و مهمی است که باید فوراً مورد رسیدگی قرار بگیرد. قرار شد که اطلاعات کامل مربوط به جمال را برای او نیز بفرستم.

پس از آن تعدادی از خبرنگاران به سراغم آمده و در باره جمال و وضعیت پناهندگان ایرانی در ژاپن و اوضاع حقوق بشر در ایران سوالاتی کردند. این خبرنگاران شامل خبرنگار شبکه تلویزیونی ژاپن، خبرنگار بخش اخبار خارجی روزنامه ماینی شی، خبرنگار ژاپنیز تایمز بود. همچنین دو تن از پژوهشگران امور حقوق بشر در ژاپن نیز به سراغم آمدند و قرار شد در این خصوص طی یک ملاقات ویژه ای اطلاعات کاملی درباره جمال در اختیارشان بگذارم. تقریباً همزمان با کنفرانس مطبوعاتی در سازمان ملل توکیو، تظاهرات دیگری در حمایت از جمال و علیه سیاستهای ضد مهاجر و ضد پناهندگی دولت ژاپن در مقابل وزارت دادگستری انجام شده بود که متأسفانه در آن تظاهرات نتوانستم شرکت کنم اما گزارش آن را نیز متعاقباً ارسال خواهم کرد.

تا همینجا امروز روز موفقی برای جمال صابری و صدها هزار مهاجر و پناهجو در جمال بود. برای اولین بار تصویر زندگی دردناک آنها و مشکلات و بی حقوقی های آنها چه در خیابان های توکیو و چه در کشورهای دیگر در مقابل دیدگان افکار عمومی قرار گرفته و برای اولین بار دولت ژاپن مستقیماً زیر فشار اعتراضات مختلف قرار گرفت.

تلاش و فعالیتهای ما برای نجات جمال در ژاپن ادامه دارد و متعاقباً گزارشات فعالیتهای بعدی را به اطلاع میرسانم. توکیو، ۳۱ مارس

ادامه صفحه ۱۰

## چهارشنبه ۳۱ مارس: یک روز سخت برای دولت ژاپن

از صفحه ۱۲

دولت ژاپن نسبت به مهاجرین شدیداً انتقاد کرد. او دولت ژاپن را متهم کرد که مهاجرین را به شرایط بردگی کشانده و یک راسیسم و تبعیض تمام عیار را به مهاجرین تحمیل کرده است. این سیاست عملاً مغایر تمام تعهدات پایه ای و بین المللی دولت ژاپن است. و دولت ژاپن باید گامهای جدی و اساسی برای رفع این اشکالات بردارد. او در گزارش خود به وضعیت بازداشتی ها، کودکان و زنان و امکانات محدود آنها و سوء استفاده وسیع و گسترده از مهاجرین اشاره کرد. در خاتمه اعلام کرد که گزارش خود را تکمیل کرده و برای دولت ژاپن ارسال میکند. دولت ژاپن به گزارش پاسخ داده و براساس پاسخهای دولت ژاپن گزارش نهایی تنظیم و در اجلاس حقوق بشر سازمان ملل بعنوان گزارش نهایی ارائه میشود.

پس از صحبتهای آقای بوستامانتا پرسش و پاسخ خبرنگاران شروع شد. من نیز بعنوان نفر سوم صحبت کردم. در ابتدا از آقای بوستامانتا بخاطر تهیه گزارش انتقادی و تنظیم بخشی از مشکلات عدیده مهاجرین و پناهجویان در ژاپن تشکر کرده و گفتم اجازه بدین به اطلاع تان برسانم که فدراسیون سراسری پناهندگان ایرانی همزمان با روز برگزاری این کنفرانس فراخوان بین المللی روز اعتراض به سیاستهای ضد انسانی پناهندگی و مهاجرت ژاپن داده و امروز در اقصی نقاط دنیا همزمان با این کنفرانس اعتراضات متعددی در ژاپن و کشورهای اروپا، آمریکا و آمریکای شمالی سازمان داده شده ما به سهم خود تلاش کرده و میکشیم که توجه افکار عمومی را نسبت به وضعیت اسفبار پناهجویان و مهاجرین بازداشتی در ژاپن جلب کنیم. همچنین بعنوان یک نمونه تیبیک از رفتارهای غیر انسانی دولت ژاپن توجه شما را به کیس جمال صابری (جلال امان زاده نوعی) جلب میکنم. جمال صابری از سال ۱۹۹۰ وارد ژاپن شده و نزدیک به بیست سال علیه جمهوری اسلامی فعالیت کرده و یک چهره و فعال شناخته شده سیاسی علیه جمهوری اسلامی در

ژاپن میباشد. جمال مقالات و مصاحبه های متعددی انجام داده که در روزنامه های ژاپنی، ایرانی و غیر ایرانی همراه با عکسهای چاپ شده است. دولت ژاپن بعد از سفر وزیر خارجه جمهوری اسلامی به ژاپن اقدام به دستگیری جمال کرده و قصد دیپورت او به ایران را دارد. دولت ژاپن در حالی اقدام به دستگیری جمال میکند که پروسه حقوقی پناهندگی جمال به فرجام نرسیده و این پروسه هنوز در مرحله تصمیم گیری توسط دادگاه عالی ژاپن میباشد. اجازه بدین همینجا خیلی کوتاه توجه شما را به ایران جلب کنم. شك ندارم که شما و تمام حاضرین در این کنفرانس از اوضاع اسف بار حقوق بشر در ایران مطلعید. حتماً اطلاع دارید که جمهوری اسلامی چه خشونت تمام عیاری را علیه مردم مخالفش به کار گرفته و دهها نفر از مخالفینش را در خیابانها بطرز فجیعی به قتل رساند و تعداد زیادی را نیز به اعدام محکوم کرده است. شك ندارم که همه میدانید که در زندانهای ایران چه شکنجه های شرم آوری حاکم است و چگونه ماشین جنایت، شکنجه و تجاوز این رژیم کار میکنند. دولت ژاپن در ادامه همان سیاستی که شما به نقدش کشیدید تصمیم دارد جمال را به این جهنم و شکنجه گاه اعزام کند. دیپورت جمال به ایران یعنی اعدام او. و من همینجا در مقابل شما و تمام خبرنگاران اعلام میکنم که دولت ژاپن و سازمان ملل در قبال زندگی و امنیت زندگی جمال مسئول و پاسخگوست. در همین کنفرانس هشدار میدهم که دولت ژاپن طناب دار را بر فراز سربک پناهجو قرار داده است. این اقدام ضد انسانی دولت ژاپن باید فوراً متوقف شود و شما در قبال این تراژدی مسئولید. مسئولید که از این واقعه تلخ و فراموش نشدنی جلوگیری کنید.

صحبتهای من مورد استقبال آقای بوستامانتا و سایر خبرنگاران قرار گرفت. پس از کنفرانس مطبوعاتی آقای بوستامانتا آدرس شخصی تماسش را داد و درخواست کرد که اطلاعات مربوط به جمال را حتماً برایش ارسال کنم تا در

اساس سوسیالیسم انسان است

## چهارشنبه ۳۱ مارس: یک روز سخت برای دولت ژاپن و یک روز موفقیت آمیز برای پناهجویان و مهاجرین بازداشتی و کمپین جمال صابری در ژاپن

### گزارش فرهاد حسینی از ژاپن جمال را آزاد کنید!

امروز روز مهمی برای دولت ژاپن و سازمان‌های حقوق بشری و حتی صدها هزار مهاجر و پناهنده در ژاپن بود. روزی که فریاد اعتراض صدها هزار پناهجویی که در ژاپن زیر سیستم غیر انسانی استعمار بیرحمانه له میشوند در جامعه و در سطح بین‌المللی طنین می‌افکند. روزی که صدای اعتراض جمال از سلولهای بازداشتگاه اداره مهاجرت طنین گسترده‌ای یافت.

امروز از ساعت ۱۲ ظهر تظاهراتی توسط دوستان ژاپنی جمال صابری و فعالین حقوق بشر در مقابل بازداشتگاه اداره مرکزی مهاجرت توکیو سازمان داده شد. ساعت ۳ بعدازظهر در دفتر سازمان ملل کنفرانس مطبوعاتی بارزس ویژه سازمان ملل در خصوص آخرین گزارش او و هیئت همراهش در باره وضعیت مهاجرین، پناهجویان و کارگران خارجی در ژاپن برگزار شد که توجه افکار عمومی ژاپن، اقیانوسیه و در سطح بین‌المللی را جلب کرد. در ساعت ۴ بعدازظهر نیز در مقابل وزارت دادگستری تظاهرات دیگری در حمایت از پناهجویان و جمال صابری برگزار شد.

از صبح زود برای تدارکات یک عالمه کار بیرون زد. کارهای مختلفی را باید با سرعت و دقت ژاپنی‌ها انجام داد. بهر حال همه کارهای تدارکاتی و آماده سازی تظاهرات، گرفتن قرار ملاقات با اداره مهاجرت و خبر کردن خبرگزاریها بخوبی پیش رفت.

اولین تظاهرات از ساعت ۱۲ ظهر در مقابل بازداشتگاه اداره مرکزی مهاجرت توکیو جایی که جمال در آنجا بازداشت است برگزار شد. بیش از ۵۰ نفر در این تظاهرات شرکت داشتند و پلاکاردهایی به زبان ژاپنی و انگلیسی در حمایت از پناهجویان و بازداشتی‌ها در دست داشتند. تعداد زیادی خبرنگار و فیلمبردار در محل حاضر شده و گزارش و فیلم تهیه می‌کردند. همزمان با این تجمع اعتراضی

صدها نفر از بازداشت شدگان به نشانه همبستگی و اعتراض از داخل ساختمان بازداشتگاه دست به اعتراض زده و شعارهای کوبنده ای علیه سیاست ضد انسانی دولت ژاپن سر میدادند. شعارهای کوبنده دفاع از حقوق اولیه انسانی از کف خیابان بلند میشد و در ساختمان عظیم و مخوف بازداشتگاه در فریاد پناهجویان گره میخورد و تمام فضای اطراف اداره مهاجرت را به لرزه درآورده بود. خبرنگاران از این آکسیون فیلم و عکس تهیه می‌کردند. در ابتدای شروع تظاهرات هیئتی مرکب از من و سه نفر دیگر از فعالین چپ و حقوق بشری ژاپنی به داخل ساختمان رفته و با یکی از مسئولین اداره مهاجرت به نام آقای اوکابه دیدار و مذاکره کردند. در این دیدار طبق برنامه از پیش تعیین شده هر کس از زاویه‌ای سیاستهای ضد انسانی دولت ژپن نسبت به پناهجویان و مهاجرین را به نقد کشیدند. تیم ژاپنی دوستان جمال به سرپرستی یکی از رهبران این کمپین به نام آقای ساکاهی در خصوص وضعیت پناهجویان و مهاجرین و بطور مشخص در باره جمال صابری صحبت کردند. آنها در همین زمینه نامه‌ای را تنظیم کرده بودند که نامه را نیز به آقای اوکابه ارائه دادند.

سپس من ضمن معرفی خود اعلام کردم که امروز مراکز نمایندگی شما در کشورهای مختلف زیر اعتراض مدافعان حقوق انسانی قرار گرفته است. در کشورهای مختلفی همین مذاکرات جریان دارد. و این حرکتها تا پاسخ به مطالبات ما ادامه خواهد داشت و در صورت عدم پاسخ به مطالبات ما شدت بیشتری خواهد گرفت. اعلام کردم برخورد شما با جمال صابری یک نمونه تپیک از دریای اجحاف و بی حقوقی‌هایی است که نسبت به مهاجرین و پناهجویان روا میدارید. گفتم شما جمال را به دلیل اقامت غیرقانونی دستگیر میکنید و همین اقدام شما یک اقدام کاملاً غیرقانونی حتی براساس موازین و پرنسیپهای اولیه تعهدات قانونی و بین‌المللی شماست. پروسه پناهنده‌گی جمال

هنوز بسته نشده شما او را غیرقانونی کرده و به زندان انداخته و قصد دیپورتش به ایران را دارید. این اقدام شما یک تراژدی حقوق بشری در ژاپن است. جمال یک فعال شناخته شده سیاسی است دستگیری او درست ترجمان ژاپنی سیاست دستگیری و سرکوب مخالفین حکومت اسلامی در ایران است. شما با این اقدام عملاً اراده سران جنایتکار و مطرود و لعن شده جمهوری اسلامی را دنبال میکنید. دیپورت جمال یعنی اینکه دولت ژاپن برای جمال حکم اعدام صادر کرده است و این نه برای ما و نه برای میلیونها تن از مخالفین حکومت اسلامی قابل قبول نیست. پس از این گفتگوی مفصل و کسب اطلاعات کامل از کمپین ما و فعالیتهای ما و وضعیت جمال صابری، آقای اوکابه قول دادند که تمام گزارش جلسه را به مقامات تصمیم گیرنده ارائه داده و نتیجه را به ما ابلاغ کنند.

بعد از این ملاقات دوباره به تظاهرات برگشتیم. بلند گورا گرفتیم و با حرارت تمام با زبان انگلیسی خطاب به بازداشتی‌ها و عابرین صحبت کردم: این دنیا دنیایی وارونه است. دنیایی خلاف روال طبیعی است. در دنیای طبیعت پرندگان آزادند هر جایی سفر کنند. ماهی‌ها آزادند هر جایی دوست داشته باشند، شنا کنند. اما در جامعه ما انسانها، برایمان دیوار ساختند. مرز درست کردند. پاسپورت و ویزا و بازداشتگاه و زندان ساخته اند. و به زور اسلحه و گلوله نمیگذارند که جابجا شویم و جایی که دوست داریم زندگی کنیم. جرم صدها نفری که در این بازداشتگاه هستند فقط همین است که میخواهند مثل ۱۳۷ میلیون نفر دیگر در این جامعه کار کنند و زندگی کنند. آنها به شما میگویند غیرقانونی در حالیکه خودشان غیرقانونی ترین رفتارهای انسانی را مرتکب میشوند. رفتار آنها با شما یک رفتار راسیستی و تبعیض آمیز است. در این ساختمان کسانی مانند جمال صابری را نگهداشتند کسی که بیست سال با یکی از فاشیستی ترین حکومتهای دنیا می‌جنگد و پاداش



در خلال این آکسیون خبرنگاران تایمز ژاپن و یک خبرگزاری برزیلی به نام آی پی سی ورد با من مصاحبه ای انجام دادند.

بعد از تظاهرات به سرعت راهی سازمان ملل شدم که در کنفرانس مطبوعاتی گزارشگر ویژه سازمان ملل شرکت کنم. با اینکه اسم من در لیست دعوت شدگان نبود اما با مکاتبات و مکالماتی که داشتیم در نهایت از سد آهنین محدودیت شرکت کنندگان عبور کردم و به داخل اتاق کنفرانس شدم. داخل اتاق پر از خبرنگار از کشورهای مختلف بود. به سمت پانل زوم شده بود. ساعت ۳ آقای بوستامانتا گزارشگر ویژه سازمان ملل کنفرانس را شروع کرد. او در گزارش خود به سیاستهای

او از طرف دولت ژاپن رد درخواست پناهنده‌گی اش و دستگیری و نگهداریش در این محل میباید. در ادامه گفتم: آزادی سفر و رفت و آمد یک حق انکار ناپذیر انسان است. این حق تنها بعنوان دکور در کلکسیون تزئینات حقوق بشری نگهداری میشود. این حق را در جعبه‌های شیشه‌ای نهاده و برآن قفل زده اند. اما اگر این دنیا رشدی داشته محصول مبارزات و تلاش انسانهایی چون ما و همین مبارزه الان ما بوده است. ما نمیگذاریم با سرنوشت انسانها بازی کنند. با کمک هم و با اتحاد و مبارزه هم حقوق و ارزش و حرمت انسانی را نه تنها به ژاپن که به تمام دنیا برمیگردانیم. سخنرانی من مورد استقبال حاضرین قرار گرفت. صدای شلوغ کردن و شعار و داد و فریاد بازداشتی‌ها لحظه‌ای قطع نمیشد.

صفحه ۱۱

### انترناسیونال

#### نشریه حزب کمونیست کارگری

#### سردبیر: کاظم نیکخواه

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

جمهوری انسانی است!

جمهوری سوسیالیستی،